





# جامعه‌شناسی ۲

رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی

• سال سوم آموزش متوسطه •

# وزارت آموزش و پرورش

## سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی

نام کتاب: جامعه شناسی ۲-۲۸۱/۱

شورای برنامه ریزی: حمید پارسانیا، غلام رضا جمشیدیها، علی ربانی خوراسگانی، سعید زاهد زاهدانی، محمد ابراهیم فیاض، حسین کچویان، حسن ملکی، لطیف عیوضی، یارمحمد بای، حسن جعفریان، محمدشریف متولی، فریدون ملای بحری، محمد مهدی ناصری، آرزیتا بیدقی، الدوز تبریزی، رقیه رودسرایی، ربابه فتحی، فهیمه میرصانع.

مؤلف: حمید پارسانیا

### همکاران تألیف:

گروه اول: نصرالله آقاجانی، حسن خیری، نعمت الله کرم الهی، ابراهیم فتحی، شمس الله مریجی، گروه دوم: آرمین امیر، سجاد صفار هرنندی، روح الله نامداری، نادر نور محمد.

ویراستار: حسن ستایش

آماده سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل چاپ و توزیع کتاب های درسی تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)، تلفن: ۹-۱۱۶۱۱۸۸۳۰۰ دورنگار: ۰۹۲۶۶۰۸۸۳۰ کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وب سایت: [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)

مدیر هنری: مجید ذاکری یونسی

طراح گرافیک و صفحه آرا: سعید صادقی

تصویرگر: امیر نساجی

عکاسان: حاج حسین بهرامی، بهاره اصلانی، مجید ناگهی

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران تهران، کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج، خیابان ۶۱ (دارو پخش) تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱ دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰ صندوق پستی: ۱۳۴۴۵/۶۸۴

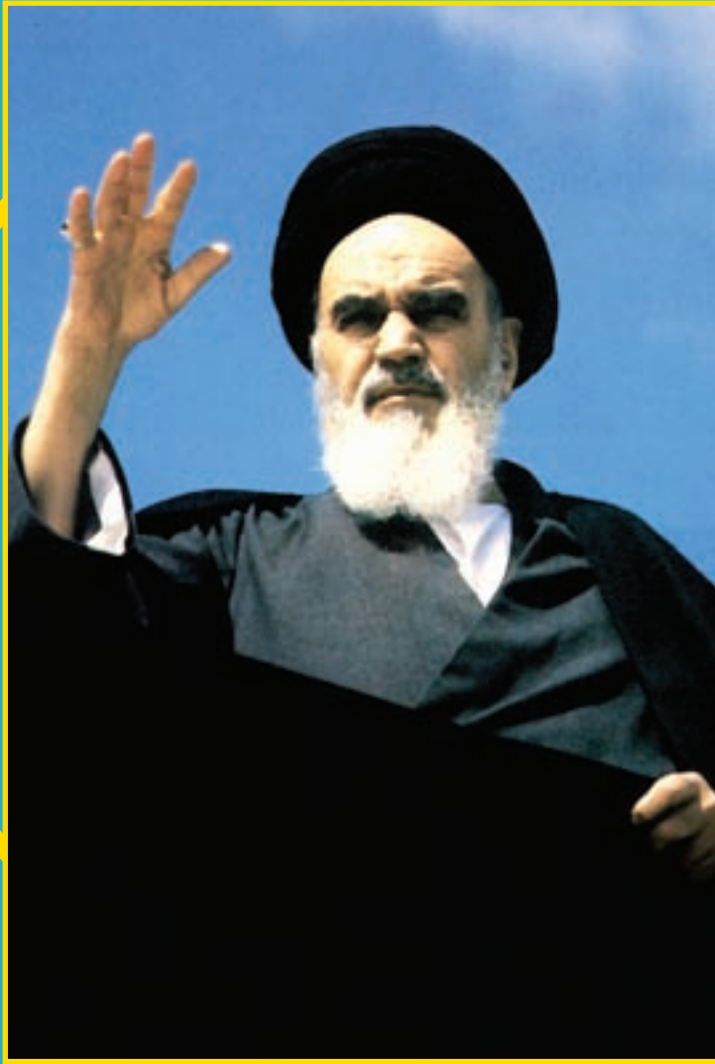
چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: ۱۳۹۰/اول

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۱۹۸۲-۰ ISBN 978-964-05-1982-0

۱۳۹۰



○ خود فراموشی و نادیده انگاشتن ابعاد لایتناهی روح آدمی و بی توجهی نسبت به استعداد های بشر در پیمودن سیر کمالات و فضایل اخلاقی، دردی است که اغلب جوامع بشری بدان مبتلا گردیده اند و حاکمیت تکنولوژی و زندگی ماشینی و سلطه ماده گرایان و دنیا پرستان بر بخش وسیعی از جهان از یکسو و ناتوانی مکاتب و اندیشه های مختلف در ارائه مسیری روشن و تفسیری مطمئن از انسان، بر این سیر قهقراپی و از خود بیگانگی افزوده اند. در این میان تنها منادیان توحید و انبیا و پاسداران حریم ارزشها و معنویت ها بوده اند که تربیت انسان را وجهه جهاد مستمر خویش قرار داده و همنا با چراغ عقل و ندای فطرت، جامعه انسانی را به سوی کمالات و ارزشهای متعالی هدایت کرده اند.

○ امام خمینی ○

## فصل اول ۷ جامعه و فرهنگ

- اهداف فصل ۸
  - درس اول ۹ گستره جهان اجتماعی
  - درس دوم ۱۴ نظام اجتماعی
  - درس سوم ۲۱ فرهنگ ۱
  - درس چهارم ۲۸ فرهنگ ۲
- 

## فصل دوم ۳۷ هویت و فرهنگ

- اهداف فصل ۳۸
  - درس پنجم ۳۹ هویت
  - درس ششم ۴۴ هویت فردی و اجتماعی
  - درس هفتم ۵۳ باز تولید هویت اجتماعی
  - درس هشتم ۵۸ تغییرات هویتی و تحولات اجتماعی
  - درس نهم ۶۳ تحولات هویتی فرهنگ
  - درس دهم ۶۸ از خود بیگانگی فرهنگی
  - درس یازدهم ۷۴ هویت ایرانی
- 

## فصل سوم ۷۹ قدرت و سیاست

- اهداف فصل ۸۰
- درس دوازدهم ۸۱ قدرت و اقتدار
- درس سیزدهم ۸۶ نظام سیاسی
- درس چهاردهم ۹۱ انواع نظام سیاسی
- منابع ۹۶



فصل اول  
جامعه و فرهنگ

## فصل اول / جامعه و فرهنگ

### ○ انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش‌آموز:

- گسترهٔ جهان اجتماعی را بداند و قلمروهای مختلف آن را از هم تشخیص دهد.
- بداند همهٔ پدیده‌های درون جهان اجتماعی فراورده و محصول کنش‌های انسانی نیستند.
- تفاوت و تشابه دو مفهوم نظام اجتماعی و جهان اجتماعی را توضیح دهد.
- مفاهیم ساختار اجتماعی و نهاد اجتماعی را تعریف کند.
- نسبت فرهنگ و جامعه را تحلیل کند.
- به اهمیت نهادهای فرهنگی پی ببرد و به عضویت در آنها برای مشارکت در فرایند تولید، انتقال و عمق بخشیدن به فرهنگ علاقمند گردد.
- توانایی نقد و داوری فرهنگ‌ها را در سطوح هنجارها، ارزشها و عقاید پیدا کند.
- فرهنگ واقعی، فرهنگ آرمانی و فرهنگ حق را توصیف کند.
- برای نزدیک شدن فرهنگ واقعی به فرهنگ آرمانی و فرهنگ حق، احساس مسئولیت کند.



## درس اول

### گستره جهان اجتماعی

#### پدیده‌های درون جهان اجتماعی

جهان واژه‌ای است که برای اشاره به مجموعه‌های بزرگ به کار می‌رود مانند جهان طبیعت، جهان غرب و ... . جهان اجتماعی نیز به مجموعه پدیده‌هایی دلالت می‌کند که در محدوده زندگی اجتماعی انسان‌ها قرار می‌گیرند. به نظر شما کدام یک از پدیده‌های زیر درون این مجموعه قرار می‌گیرند؟

خانواده، ستارگان، احترام به قانون، فلزات، دولت، زلزله، عدالت، مدرسه، صلح، امنیت، کارخانه، رودخانه، کوهها، خیابان، بیابان، خویشاوندان، حزب، کارمند، مسجد، آب، خورشید، اتوبوس، هواپیما.

• برای پاسخ به پرسش بالا، جدول صفحه بعد را تکمیل کنید؛ پدیده‌هایی را که مطمئن هستید درون جهان اجتماعی قرار دارند در ستون اول و مواردی را که یقین دارید بیرون از جهان اجتماعی قرار دارند در ستون دوم بنویسید. مواردی را که درباره آن‌ها شک دارید و نمی‌دانید درون جهان اجتماعی یا بیرون آن قرار می‌گیرند در ستون سوم درج کنید.





ردیف	درون جهان اجتماعی	بیرون جهان اجتماعی	؟
۱	خانواده	فلزات	زلزله
۲			
۳			
۴			

## ● معیارشناسایی پدیده‌های جهان اجتماعی

ما برای شناخت پدیده‌هایی که به جهان اجتماعی تعلق دارند به معیار و قاعده نیاز داریم، آیا قاعده‌ای وجود دارد تا براساس آن پدیده‌های یاد شده را شناسایی کنیم و به درست یا غلط بودن تشخیص خود پی ببریم؟

هر چیزی که با زندگی اجتماعی انسان ارتباط داشته باشد درون جهان اجتماعی قرار می‌گیرد. براساس این قاعده، کنش‌های اجتماعی انسان‌ها و پیامدهای آن‌ها به جهان اجتماعی تعلق می‌گیرند. احترام به قانون یک کنش اجتماعی است؛ خانواده

پدیده‌ای است که با کنش‌های اجتماعی انسان به وجود می‌آید؛ امنیت، صلح و ... حاصل کنش‌های اجتماعی انسان‌ها هستند. همه این امور از این جهت که با زندگی انسان‌ها ارتباط دارند درون جهان اجتماعی جای می‌گیرند.

ما می‌دانیم زلزله یا خشکسالی پدیده‌های طبیعی هستند، و از این جهت درون جهان اجتماعی قرار نمی‌گیرند، اما این دو پدیده تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در کنش‌های اجتماعی انسان‌ها دارند.

انسان‌ها برای مقابله با زلزله و خشکسالی، قواعد خاصی را وضع می‌کنند و کنش‌های مناسبی را انجام می‌دهند؛ آن‌ها





خانه های خود را به گونه ای می سازند که در برابر زلزله مقاوم باشند؛ انبارها و سیلو هایی را بنا می کنند تا با خشکسالی مقابله کنند. آنها در مناطقی که آب و هوای خشک دارد، راه هایی را برای رسیدن به ذخایر زیرزمینی آب، ابداع می کنند و کشاورزی متناسب با همان آب و هوا را بر می گزینند.

بنابراین زلزله، خشکسالی و آب و هوا پدیده های جهان طبیعی هستند ولی از جهت ارتباطی که با زندگی اجتماعی پیدا می کنند، درون جهان اجتماعی قرار می گیرند.

- درباره فئات و ابعاد اجتماعی آن و ارتباط آن با آب و هوای فلات ایران گفت و گو کنید.
- با توجه به آنچه در این بخش خواندیم، پدیده های ستون سوم جدول را دوباره بازنویسی کنید. به نظر شما این موارد به کدام جهان تعلق دارند، جهان طبیعی یا جهان اجتماعی یا هر دو؟



## ○ بسط جهان اجتماعی

مطمئناً بسیاری از موجودات، بیرون از جهان اجتماعی وجود دارند؛ یعنی در جهان طبیعی یا ماوراء طبیعی. به نظر شما آیا این موجودات می توانند در ارتباط با زندگی اجتماعی انسانها قرار گیرند و از این جهت در گستره جهان اجتماعی نیز وارد شوند؟

می دانیم که خداوند سبحان، فرشتگان، ستارگان، کهکشانها، فلزات، جمادات، کوهها، بیابانها، جنگلها، و بسیاری از حیوانات، قبل از انسان وجود داشته اند و اگر انسانها



نیز از بین بروند همچنان وجود خواهند داشت؛ به تعبیر دیگر این امور محصول کنش انسانها نیستند، ولی از برخی جهات می‌توانند با جهان اجتماعی انسان ارتباط داشته باشند و به جهان اجتماعی وارد شوند.

انسانها با شناخت فلزات و وسایل و ابزارهای جدید می‌سازند. و این ابزارها به نوبه خود در نحوه زندگی آنان اثر می‌گذارد.

شناخت ستارگان امکان پیدا کردن راه‌ها در بیابانها و دریاها را فراهم می‌آورد و این پدیده سفرها و مهاجرت‌های انسانی را گسترش می‌دهد. رفتار شتابزده و نابخردانه انسان، طبیعت و محیط زیست را آلوده می‌کند و این آلودگی فرصت‌های زندگی اجتماعی را محدود می‌کند.

شناخت خداوند و فرشتگان و جهان ماوراء طبیعی، آرمانها و ارزشهای زندگی آدمیان را تغییر می‌دهند، و کنش‌های اجتماعی آنان را دگرگون می‌سازد.

سنت‌های الهی نیز با انسانهای شاکر و ناسپاس و جوامع عادل و ظالم یکسان عمل نمی‌کند و درهای آسمان را بر عدالت‌پیشگان می‌گشاید و ستم‌پیشگان را در قهر و انتقام الهی فرو می‌گذارد.

بنابراین هر یک از موجوداتی که بیرون از جهان اجتماعی حضور دارند به واسطه ارتباطی که با زندگی اجتماعی انسان پیدا می‌کنند، می‌توانند در گستره جهان اجتماعی نیز قرار گیرند.

- درباره پدیده‌هایی که در ستون دوم جدول مربوط به این درس نوشته‌اید، یک بار دیگر تأمل کنید. در چه صورتی می‌توان پدیده‌های مربوط به این ستون را در ستون اول قرار داد؟
- آیا پدیده‌های گذشتگان، آیندگان، سیاهچاله، ویروس درون جهان اجتماعی قرار می‌گیرند؟ چگونه؟





• اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید .

گسترهٔ جهان اجتماعی ، ..... ، ..... ، .....

..... ، ..... ، ..... ، .....



• مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید.<sup>۱</sup> در این قسمت یا مفاهیم کلیدی را تعریف می کنید یا ارتباط آن ها را دو به دو نشان می دهید.

تمامی پدیده ها به واسطهٔ ارتباطشان با زندگی اجتماعی انسان، در گسترهٔ جهان اجتماعی قرار می گیرند

.....

.....

.....



• در این قسمت می توانید جمله ها و گزاره هایی را که در قسمت "خلاصه کنید" نوشته اید با هم ترکیب کنید و در قالب بند یا پاراگراف بنویسید.

• فرض کنید می خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفتید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. در کلاس نوشته های خود را بخوانید و با راهنمایی دبیر خود، بهترین آن ها را انتخاب کنید و به نام نویسندهٔ آن، در کتاب خود بنویسید.

.....

.....

۱- برای پیدا کردن مطالب مهم درس از خود بپرسید این درس چه دنبال پاسخ به چه پرسش هایی است.



## ● ساختار اجتماعی

ساختمان یک ورزشگاه را در نظر بگیرید اگر ورزشگاه در اثر یک حادثه طبیعی یا غیرطبیعی فرو ریزد، بسیاری از اجزا ساختمان در محل حادثه باقی می‌مانند. به نظر شما چرا این اجزا را دیگر نمی‌توان ساختمان نامید؟

اجزا ساختمان دارای ارتباط و چینش منظم هستند، نوع ارتباط و چینش اجزا، آن‌ها را به صورت ساختمان درآورده است، یک ساختمان هنگامی برای ورزش مناسب است که چینش و ارتباط عناصر و اجزا آن متناسب با ورزشگاه باشد.

● فرو ریختن ورزشگاه Hillsborough در سال ۱۹۸۵



از نوع ارتباط و پیوندی که بین اجزاء یک ساختمان وجود دارد با نام ساختار ساختمان یاد می شود. اجزا و مصالح ساختمان تا هنگامی که در ساختمان قرار نگرفته باشند، انبوهی از آهن، پاره چوب، خاک، سنگ، سیمان و مانند آن هستند. این عناصر پراکنده هنگامی در مجموعه ساختمان قرار می گیرند و جزئی از آن می شوند که در ساختار ساختمان واقع شوند.

مجموعه پدیده هایی که در جهان اجتماعی قرار دارند بدون شباهت به اجزا و عناصر یک ساختمان نیستند. این پدیده ها اگر ارتباط و پیوندی با یکدیگر نداشته باشد، درون جهان اجتماعی قرار نمی گیرند. پدیده های جهان اجتماعی به سبب همین نظم و ارتباطی که با یکدیگر پیدا می کنند، به جهان اجتماعی وارد می شوند. به همین دلیل آدم های ناشناسی که به طور اتفاقی با هم برخورد می کنند یک جهان اجتماعی را تشکیل نمی دهند.

از نوع ارتباط و پیوندی که بین پدیده های اجتماعی وجود دارد با نام ساختار اجتماعی یاد می شود. جهان اجتماعی بدون ساختار نمی تواند وجود داشته باشد.

• کلاس درس خود را به مثابه یک مجموعه در نظر بگیرید. پنج مورد از اجزا و عناصر این مجموعه را یادداشت کنید و نوع ارتباطی را که این اجزاء با کلاس دارند در مقابل آن ها بنویسید.



ردیف	عناصر یا اجزا	رابطه
۱	معلم	تدریس می کند
۲	دانش آموز	.....
۳	کتاب	.....
۴	.....	.....
۵	.....	.....

## تفاوت نظام اجتماعی و جهان اجتماعی

ما تاکنون با مفاهیم نظام اجتماعی و جهان اجتماعی آشنا شده ایم. به نظر شما این مفاهیم چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟ توجه به مفهوم ساختار اجتماعی شما را در پاسخ به این پرسش یاری می‌رساند.

جهان اجتماعی و نظام اجتماعی در واقع جدای از یکدیگر نیستند، و به همین دلیل شناخت تفاوت‌های آن‌ها نیازمند به دقت است. برای شناخت تفاوت این مفهوم مثال مجموعه ورزشی را به یاد بیاورید. هنگامی که درباره یک ساختمان ورزشی گفت و گو می‌کنیم از سه امر زیر می‌توانیم سخن گوئیم.

۱. مجموعه اجزا و عناصر ورزشگاه

۲. ساختار ورزشگاه

۳. ساختمان ورزشگاه

ما می‌دانیم این سه مفهوم در واقعیت از هم جدا نیستند؛ یعنی ما ساختمانی را بدون ساختار و بدون عناصر و اجزاء آن نمی‌توانیم پیدا کنیم. با این وجود هر یک از این سه مفهوم معنای خاص خود را دارد:

۱. مجموعه اجزا و عناصر ورزشگاه: همه اجزا و عناصر دخیل در ساختمان از قبیل سنگ، چوب، آهن و ... را در بر می‌گیرد.

۲. ساختار ورزشگاه: از نظم و ارتباط بین اجزا و عناصر حکایت می‌کند.

۳. ساختمان: مفهومی است که از اجزا و عناصر با نظر به ساختار و ارتباطی که با هم دارند حکایت می‌کند.

جهان اجتماعی، ساختار اجتماعی و نظام اجتماعی نیز، نظیر مفاهیم سه گانه بالا هستند. این سه مفهوم را به صورت زیر می‌توان تعریف و مقایسه کرد.

۱. جهان اجتماعی: مجموعه پدیده‌هایی است که در گستره زندگی اجتماعی انسان قرار می‌گیرند.

۲. ساختار اجتماعی: نوع ارتباط، نظم و چینش پدیده‌هایی است که در جهان اجتماعی واقع می‌شوند.

۳. نظام اجتماعی: مجموعه پدیده‌های جهان اجتماعی از نظر ساختار و ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌باشد



بنابراین تفاوت جهان اجتماعی و نظام اجتماعی در این است که جهان اجتماعی از مجموعه پدیده هایی حکایت می کند که مربوط به اجتماع هستند و نظام اجتماعی همان مجموعه پدیده ها را از جهت ساختار و ارتباطی که با هم دارند مورد توجه قرار می دهد.

• با تکمیل جدول زیر مفاهیم سه گانه جهان اجتماعی، ساختار اجتماعی و نظام اجتماعی را در مورد خانواده به کار ببرید.



خانواده	جامعه	ساختمان ورزشگاه
.....	جهان اجتماعی	مجموعه اجزا و عناصر ورزشگاه
روابط همسری، فرزنددی	ساختار اجتماعی	ساختار ورزشگاه
.....	نظام اجتماعی	ساختمان ورزشگاه





## ● نهاد اجتماعی

هر نظام اجتماعی به بخش‌ها و اجزایی تقسیم می‌شود، که از آن‌ها با نام خرده نظام یاد می‌شود. به نظام اجتماعی هنگامی که با خرده نظامهای درونی آن در نظر گرفته شود، نظام اجتماعی کل می‌گویند. به نظر شما نسبت اجزاء درونی هر خرده نظام با یکدیگر و نسبت خرده نظامها با نظام اجتماعی کل چگونه است؟

ساختمان یک ورزشگاه از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است. مثل مکان بازی، جایگاه تماشاگران، محل استقرار کادر خدماتی و...

هر یک از بخش‌های ساختمان، نظام و ساختار متناسب با خود را دارد. طول و عرض زمین بازی متناسب با نیازهای بازی است. بخش اداری ساختمان مناسب با کار کارمندان است.

همان‌گونه که هر یک از بخش‌ها دارای ساختار مناسب با خود است. مجموعه بخش‌ها دارای نظم و ساختار کلانی هستند که مربوط به کل ورزشگاه است. یعنی بخش‌های مختلف ساختمان علاوه بر ساختار درونی در یک ساختار بزرگ با یکدیگر هماهنگ هستند.

مثلاً، زمین بازی به گونه‌ای است که در معرض دید تماشاگران و داوران باشد. و محل تماشاگران به گونه‌ای است که مشرف بر زمین بازی باشد. درها و مسیرهای خروجی ورزشگاه در مکانهایی است که امکان خروج تماشاگران به ساده‌ترین و سریع‌ترین صورت وجود داشته باشد.

در نظام اجتماعی کل نیز، خرده نظامهایی وجود دارد. به هریک از این خرده نظامها در صورتی که نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در نظام اجتماعی کل داشته باشد، یعنی؛ یکی از نیازهای اساسی آن را بر طرف کند نهاد اجتماعی می‌گویند. سیاست، اقتصاد، آموزش و پرورش، خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی هستند.





هر یک از نهادهای اجتماعی دارای یک ساختار درونی است، و همه آن‌ها در یک ساختار بزرگ تری که مربوط به جامعه است قرار دارند.

۱. بعضی از عناصر و اجزاء هر یک از نهاد های اجتماعی مثل خانواده، اقتصاد و سیاست را به خاطر بیاورید و درباره روابط و ساختار این اجزاء گفت و گو کنید.
۲. به چند گروه تقسیم شوید و درباره ساختار و روابطی که بین نهادهای مختلف جامعه وجود دارد، گفت و گو کنید.





جهان اجتماعی ، نظام اجتماعی ، .....

.....

.....



جهان اجتماعی مجموعه پدیده هایی است که در گستره زندگی اجتماعی انسان  
قرار می گیرند.

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



## درسوم

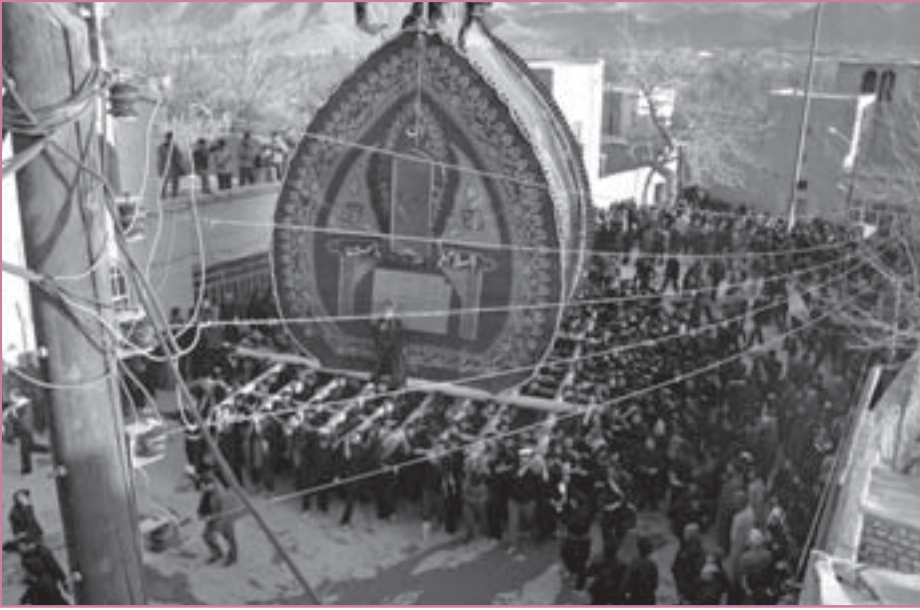
## فرهنگ ۱

### ● مفهوم فرهنگ

ما با دو واژهٔ جامعه و فرهنگ آشنا هستیم، و این دو واژه را در بسیاری موارد «با هم» به کار می‌بریم. به نظر شما بین این دو واژه چه تفاوت معنایی وجود دارد؟ و چه نسبتی با هم دارند؟

هنگامی که در مسافرت به شهر جدیدی وارد می‌شوید افرادی را می‌بینید که با یکدیگر زندگی می‌کنند. اگر مدتی در آن جا بمانید و با آن‌ها زندگی کنید، به تدریج با شیوهٔ زندگی و نحوهٔ ارتباطات آن‌ها آشنا می‌شوید. آنچه در نخستین برخورد مشاهده می‌کنید، جامعه است و آنچه به تدریج از شیوه و نوع زندگی آن‌ها فرا می‌گیرید، فرهنگ است.

جامعه به گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که در طی سالیان متمادی با یکدیگر زندگی می‌کنند. فرهنگ مربوط به شیوهٔ زندگی گروهی از انسان‌هاست که با یکدیگر زندگی می‌کنند. برای مثال نوع خوراکی‌ها، پوشش‌ها، گویش‌ها، آداب و رسوم عروسی و عزاداری، شیوه‌های گذران اوقات فراغت، آداب معاشرت، شیوه‌های یاددهی - یادگیری، باورها و ارزشهای اخلاقی، نگرش به عالم و آدم و ... از مصادیق فرهنگ به شمار می‌آیند.



فرهنگ و جامعه جدای از یکدیگر نمی توانند باشند. جامعه، بدون فرهنگ وجود ندارد و فرهنگ نیز بدون جامعه پدید نمی آید. جامعه و فرهنگ را به جسم و جان یک موجود زنده می توان تشبیه کرد. جامعه در حکم جسم و کالبد و فرهنگ در حکم جان و روح است. جوامع مختلف شیوه های متفاوتی برای زندگی دارند و دلیل تفاوت آن ها در این است که فرهنگ غریزی نیست بلکه پدیده ای اکتسابی و آموختنی است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. به همین دلیل فرهنگ را آگاهی و شناخت مشترک نیز می نامند.

● وقتی وارد جامعه ای می شوید چگونه به مسلمان بودن یا مسلمان نبودن آنها پی می برید؟  
از ویژگی های فرهنگ اسلامی پنج مورد را بیان کنید.



## ● فرهنگ عمومی و خرده فرهنگ

در ایران برای تشکیل خانواده و ورود به زندگی مشترک زناشویی آداب و رسومی مانند خواستگاری رایج است. آیا مراسم خواستگاری در همه نقاط ایران یکسان است؟ آیا می توانید بعضی از تفاوت ها و شباهت های آن را بیان کنید؟

ما ایران را کشور خود می دانیم. صداقت و راستگویی را ارج می نهیم، حقیقت را پاس می داریم، ظلم و بی عدالتی را بد می شماریم. احترام به پدر و مادر را لازم می دانیم.







انسان های ایثارگر و فداکار را تحسین می کنیم. اما ما همه با یک گویش واحد سخن نمی گوییم، بخش هایی از مردم ایران با زبانهای متفاوتی حرف می زنند، مردم هر شهر از خصوصیات رفتاری و اخلاقی خاص خود برخوردارند. هر صنفی ارزشها، مقررات، مهارتها و دانش های خاصی دارد. کسی که ارزشها، مقررات و مهارتهای مربوط به یک صنف را نشناسد، نمی تواند به آن صنف وارد شود. معلمان و پزشکان، دانشها و مهارتهای ویژه خود را دارند. آنها برای کسب این آگاهی ها سالیان متمادی به تحصیل می پردازند. آن بخش از فرهنگ که مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند، فرهنگ عمومی آن جامعه را تشکیل می دهد، و بخش هایی که مربوط به گروه، قوم، قشر، صنف و گروه های خاص است، خرده فرهنگ نامیده می شود.



خرده فرهنگ‌هایی که درون یک فرهنگ عمومی قرار دارند اغلب با فرهنگ عمومی سازگار هستند. در مواردی ممکن است عقاید، ارزشها، قواعد، هنجارها و مهارت‌های درون یک خرده فرهنگ، مخالف و مغایر با ارزشها، عقاید، قواعد و هنجارهای فرهنگ عمومی باشد، در این صورت این خرده فرهنگ را ضد فرهنگ می‌نامند. خرده فرهنگ گروه‌هایی که انحراف اجتماعی دارند، مانند بزهکاران، سارقان و... ضد فرهنگ است. خرده فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی را خرده فرهنگ موافق می‌گویند. مثل خرده فرهنگ‌های مربوط به اصناف مختلف درون یک جامعه.

• یکی از خرده فرهنگ‌هایی را که ضد فرهنگ عمومی جامعه ماست معرفی و دلیل ضدیت آن را تشریح کنید؟



## • نهادهای فرهنگی

شما با مفاهیم فرهنگ و نهاد اجتماعی آشنا هستید و بارها در رسانه‌های دیداری و شنیداری با اصطلاح نهادهای فرهنگی مواجه شده‌اید. آیا می‌توانید با استفاده از تجربیات و دانسته‌های خود بگویید منظور از نهاد فرهنگی چیست؟

هر نهاد اجتماعی، علاوه بر آن که از فرهنگ عمومی جامعه استفاده می‌کند، خرده فرهنگ مربوط به خود را نیز دارد. مثلاً نهاد اقتصاد، فرهنگ مخصوص خود را دارد. هر نهاد اقتصادی با عقاید، ارزشها، هنجارها، قواعد، مهارت‌ها و فنون مربوط به خود شکل می‌گیرد. جمع‌آوری و انباشت مال و ثروت، خدمت به خانواده و جامعه، انفاق و کسب رضای الهی، عقاید و ارزش‌های مختلفی هستند که می‌توانند انگیزه فعالیت‌های اقتصادی انسانها باشند، قوانین و هنجارهای مختلفی در معاملات و فعالیت‌های





اقتصادی وجود دارد، و هر کار اقتصادی نیز فنون و مهارت‌های مربوط به خود را دارد. فرهنگ‌های مختلف، نظام‌های اقتصادی متفاوتی دارند.

در نظام سرمایه‌داری، افزایش ثروت، از ارزشهای اصلی نهادهای اقتصادی است و ربا از قواعد و هنجارهای پذیرفته شده آن است. در نهاد اقتصادی اسلامی، افزایش و انباشت سرمایه، هدف اصلی نیست، بلکه عدالت و قسط از ارزشهای اصلی اقتصادی است. نهادهای اقتصادی در فرهنگ اسلامی از ربا و قواعدی که مخالف شریعت اسلام باشد، منع شده‌اند اما آن‌ها می‌توانند از روشها و فناوری‌های گوناگون در چارچوب هنجارها و ارزشهای اسلامی استفاده کنند.

با آن که نهاد اقتصادی و دیگر نهادهای اجتماعی، ابعاد فرهنگی دارند ولی هیچ کدام از آن‌ها نهاد فرهنگی نیستند. نهاد فرهنگی نهادی است که، از طریق آموزش و تربیت، به فعالیت‌های فرهنگی می‌پردازد، فرهنگ را تولید می‌کند و استمرار می‌دهد؛ یا به آن عمق و غنا می‌بخشد؛ مانند: خانواده، رسانه، آموزش و پرورش و آموزش عالی. از آنجا که بخش قابل توجهی از فرهنگ عمومی در خانواده به فرزندان منتقل می‌شود، خانواده را می‌توان یک نهاد فرهنگی دانست، رسانه‌های عمومی و آموزش و پرورش نیز، در انتقال فرهنگ عمومی نقش دارند. آموزش عالی بیشتر خرده فرهنگ‌های سایر نهادها اجتماعی را تأمین می‌کند. یعنی آموزش عالی، دانش تخصصی مورد نیاز سایر نهادها را فراهم می‌آورد.

• همان گونه که نهادهای فرهنگی نیازهای فرهنگی سایر نهادها را تأمین می‌کنند، آیا نهادهای اجتماعی دیگر، نیازهای نهادهای فرهنگی را تأمین می‌کنند؟ چگونه؟





جامعه ، فرهنگ ، ..... ، فرهنگ ،

.....

.....



جامعه در حکم کالبد و جسم فرهنگ است و فرهنگ مانند روح و جان جامعه است

.....

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



## ● فرهنگ واقعی و فرهنگ آرمانی

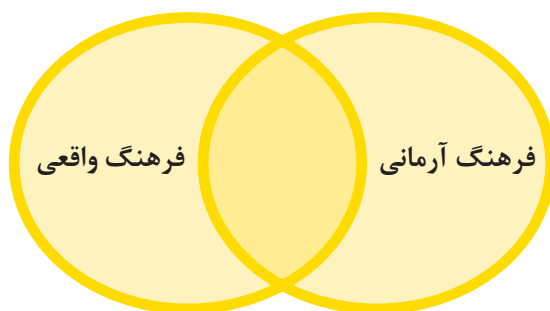
اگر آموزه‌های کتاب مطالعات اجتماعی را به خاطر داشته باشید، می‌دانید که هر جامعه‌ای دارای آرمانهای اجتماعی است. آرمانهای اجتماعی بخشی از فرهنگ هر جامعه هستند به نظر شما این بخش از فرهنگ در مقایسه با سایر بخش‌های آن چه ویژگی‌هایی دارد؟

بسیاری از ارزشها، معیارها و شیوه‌های زندگی را می‌شناسیم که مردم، آن‌ها را نیکو می‌شمارند. مثلاً مردم خدمت به هم‌نوعان خود را می‌پسندند و خیانت به دیگران یا قتل نفس را گناهی بزرگ می‌دانند، دروغ‌گویی، رشوه، دزدی را بد و رعایت مقررات را پسندیده می‌دانند، احترام به دیگران را کاری خوب و غیبت و تهمت را ناصواب می‌شمارند.

به نظر شما مردم همواره مطابق آنچه خوب می دانند عمل می کنند یا آنکه برخی از رفتارهای آنان برخلاف ارزشها و هنجارهایی است که از آن ها هواداری می کنند؟ بسیاری از ارزشها و هنجارهای یاد شده را اغلب افراد جامعه رعایت می کنند و برخی از آنها را، بعضی از گروه ها یا افراد در عمل رعایت نمی کنند. بخشی از فرهنگ را که مردم یک جامعه از آن جانبداری می کنند و رعایت آن را لازم می دانند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند فرهنگ آرمانی می نامند. فرهنگ واقعی آن بخش از فرهنگ است که مردم به آن عمل می کنند. بخشی از فرهنگ واقعی می تواند در حوزه فرهنگ آرمانی باشد. یعنی مردم مطابق با ارزشها و هنجارهایی عمل می کنند که رعایت آنها را لازم و مهم می دانند. بخشی دیگر می تواند از مواردی باشد که در سطح آرمانها رعایت آن را لازم نمی دانند. بنابراین بخشی از فرهنگ واقعی خارج از فرهنگ آرمانی واقع می شود و بخشی از فرهنگ آرمانی نیز بیرون از فرهنگ واقعی قرار می گیرد.



● سوپرمن‌های آمریکایی ● کلاه به سرهای ابوغریب



مدیران و برنامه ریزان فرهنگی جامعه تلاش می کنند از طریق نهادهای فرهنگی، تعلیم و تربیت لازم را برای ورود فرهنگ آرمانی به عرصه فرهنگ واقعی فراهم آورند. آن ها کوشش می کنند بخشی از فرهنگ آرمانی را که خارج از فرهنگ واقعی است به قلمرو فرهنگ واقعی وارد نمایند.



- در جدول زیر، سه نمونه از فرهنگ آرمانی جامعه خود را که بیرون از فرهنگ واقعی است و سه مورد را که درون فرهنگ واقعی است، بنویسید.
- بایکدیگر درباره راهکارهای تحقق آرمانهایی که در فرهنگ واقعی حضور ندارند گفت و گو کنید.
- خود را یک مدیر فرهنگی فرض کنید و راهکارهای پیشنهادی تان را برای ارتقاء فرهنگ واقعی و نزدیک شدن آن به فرهنگ آرمانی بیان کنید.

## فرهنگ آرمانی

بیرون فرهنگ واقعی	درون فرهنگ واقعی
ناپسند بودن اسراف و تبذیر	استکبار ستیزی
.....	احترام به پدر و مادر
.....	.....



## ● فرهنگ حق و فرهنگ باطل

حق و باطل اغلب از ارزشهای آرمانی تاریخ بشریت بوده اند و بسیاری از فرهنگ ها رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته اند. در فرهنگ اسلامی نیز عمل به حق و پرهیز از باطل مهمترین ارزشهای اجتماعی هستند. فرهنگ های بشری را براساس رعایت این دو ارزش به دو نوع فرهنگ حق و فرهنگ باطل می توان تقسیم کرد. فرهنگ حق و فرهنگ باطل چگونه شناخته می شوند؟

عقایدی که مردم درباره انسان و جهان دارند، ارزشهایی که محترم می شمارند، قواعد، سنن، آداب و هنجارهایی که براساس آن عمل می کنند، شیوه و روشهایی که با آن زندگی می کنند، تکنیک ها و مهارت هایی که در زندگی به کار می گیرند، گاهی درست و گاهی اشتباه است. بخش هایی از فرهنگ که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، باطل و بخش هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، حق است.

عقیده به توحید و ارزشهای توحیدی، وفای



● پرستش حیوانات در معابد هندوستان







به عهد، تحمل دیگران و مدارای با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از عدالت و حقوق ضروری انسانها از جمله عقاید و ارزشهای حق اند. ظلم و بی عدالتی و تجاوز به حقوق دیگران، شرک و دنیا پرستی و ... از جمله عقاید و ارزشهای باطل هستند.

حق و باطل بودن هر بخش از فرهنگ، با علم متناسب با همان بخش شناخته می شود. یعنی علوم تجربی توان داوری درباره تکنیک ها و روشهای اجرایی را دارند. مثلاً درست یا غلط بودن شیوه مداوای بیماران را با روشهای تجربی می توان شناخت.

حق و باطل بودن ارزشها و عقاید کلان درباره انسان و جهان را با روشها و علوم تجربی نمی توان شناخت. عقل و وحی، دو ابزار فهم برای شناخت عقاید و ارزشها هستند. جوامعی که علم را محدود به دانش تجربی و آزمون پذیر می دانند و عقل و وحی را به عنوان دو وسیله معرفت علمی معتبر نمی توانند از حق یا باطل بودن عقاید و ارزشها سخن بگویند.

از نظر آنان ارزشها و عقاید اجتماعی پدیده های صرفاً تاریخی هستند که در فرهنگ آرمانی یا واقعی جوامع انسانی، پدید می آیند و ما فقط می توانیم بودن یا نبودن این ارزشها و پیامدهای اجتماعی و تاریخی آن ها را بشناسیم و برای داوری درباره درست



و غلط بودن یا حق و باطل بودن آن ها راهی نداریم.  
 علوم اجتماعی اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکنند می توانند درباره حق یا باطل بودن فرهنگ های مختلف نیز داوری کنند.

• سه نمونه از عناصر فرهنگ حق را که در اغلب یا همه فرهنگ ها حضور دارد نام ببرید. **نمونه بیاورید**

## فرهنگ حق

.....	.....	.....	وفای به عهد راستگویی
-------	-------	-------	-------------------------





## ● حقیقت و واقعیت

شما با فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی آشنا شدید. درباره فرهنگ حق و فرهنگ باطل نیز مطالبی خواندید. به نظر شما چه تفاوتی بین فرهنگ آرمانی و فرهنگ حق وجود دارد؟



آرمانی یا واقعی بودن یک عقیده، ارزش، هنجار و کنش اجتماعی، براساس نوع نگاه و رفتار جوامع مختلف تعیین می شود. به همین دلیل فرهنگ های آرمانی و واقعی جوامع و نظامهای مختلف با یکدیگر متفاوت اند. حتی در یک جامعه واحد در گذر زمان امکان تغییر فرهنگ واقعی و آرمانی آن جامعه وجود دارد.

حق یا باطل بودن عقاید، ارزشها، هنجارها و کنشها براساس آگاهی یا جهل، علاقه یا بی توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آن ها تعیین نمی شود.

عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همه انسان ها، آزادی انسان ها از همه بندها و موانع راه سعادت آن ها، توحید و ربوبیت خداوند سبحان نسبت به همه مخلوقات، از عقاید و ارزشهای حقیقی و درستی هستند که حقانیت و درستی آن ها با موافقت و مخالفت آدمیان تغییر نمی یابد.

نژاد پرستی و برتردانستن یک قوم و گروه خاص، قدرت طلبی و غلبه بر دیگر جوامع، ثروت اندوزی و شرک و انکار مبدأ الهی و سعادت یا شقاوت ابدی انسان ها، از عقاید و ارزشهای باطل هستند.

باطل بودن این عقاید و ارزش‌ها با رویکرد جوامع مختلف به آنها، دگرگون نمی‌شود. جوامع مختلف با ایمان به عقاید و ارزش‌های حقیقی، حقیقت را به عرصه فرهنگ آرمانی خود وارد می‌کنند و اگر هنجارها، کنش‌ها و اعمال خود را نیز براساس همان عقاید و ارزش‌ها، سازمان دهند، حقیقت به حوزه فرهنگ واقعی نیز راه پیدا می‌کند. اگر جوامع به حقیقت ایمان نیاورند و براساس آن عمل نکنند یا اگر ایمان خود را به حقیقت و کنش‌هایی که براساس آن سازمان داده‌اند، تغییر دهند، فرهنگ حق را از دست داده و به سوی باطل گام بر می‌دارند.

بنابراین حقیقت هرچند خود ثابت است ولی در قلمرو واقعیت ثابت نبوده و تغییر پذیر است؛ یعنی جامعه امکان انحراف از فرهنگ حق و پذیرش فرهنگ باطل را دارد، همان گونه که امکان خروج از فرهنگ باطل و قبول فرهنگ حق وجود دارد. فارابی جامعه‌ای را که از فرهنگ حق برخوردار باشد، مدینه فاضله می‌داند و جوامعی را که از فرهنگ حق محروم مانده‌اند، براساس نوع عقاید و آرمانهای باطلی که دارند به انواع متعددی تقسیم می‌کند.<sup>۱</sup>

• عناصری از فرهنگ باطل را که در فرهنگ آرمانی و واقعی ما وجود دارد، شناسایی کنید؟



فرهنگ باطل	
فرهنگ واقعی	فرهنگ آرمانی
تکاثر (مال اندوزی)	تکاثر (مال اندوزی)
قبیله گرایی	قبیله گرایی



فرهنگ آرمانی ، فرهنگ واقعی ، .....

.....

.....



فرهنگ واقعی بخشی از فرهنگ است که مردم به آن عمل می کنند.

.....

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



## فصل دوم هویت و فرهنگ

### ● انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش‌آموز:

- هویت و ویژگی‌های مختلف آن را بشناسد.
- بخش خودآگاه و ناخودآگاه هویت را از یکدیگر تشخیص دهد.
- نسبت هویت فردی و اجتماعی را تحلیل کند.
- تعامل جهان نفسانی، جهان طبیعی و جهان اجتماعی را تشریح نماید.
- خود را در بازتولید هویت اجتماعی سهیم بداند و توانایی نقد و ارزیابی شیوه‌های کنترل اجتماعی را پیدا کند.
- نسبت به امر به معروف و نهی از منکر رغبت نشان دهد.
- نقش جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را در تداوم و تغییر هویت اجتماعی تشریح نماید.
- رابطه هویت‌های اکتسابی و تحرک اجتماعی را تحلیل کند.
- توانایی ارزیابی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که جهان اجتماعی برای تحرک اجتماعی و پیدایش هویت‌های جدید ایجاد می‌کند داشته باشد.
- توانایی ارزیابی هویت‌های اکتسابی مطلوب و نامطلوب را پیدا کند.
- پیامدهای تغییرات هویتی را بر جهان اجتماعی تحلیل کند.
- هویت اجتماعی افراد را از هویت فرهنگی جامعه تمیز دهد.
- علل و عوامل خودباختگی و از خود بیگانگی فرهنگی را تشریح کند.
- نسبت به سرنوشت تحولات هویتی و فرهنگی جامعه علاقمند باشد.
- از خودبیگانگی فطری و از خودبیگانگی تاریخی را تشخیص دهد.
- نقش تعاملات فرهنگی را در تغییرات و تحولات فرهنگی تبیین نماید.
- تحولات هویتی ایران را تشریح نماید.
- نسبت هویت ایرانی و انقلاب اسلامی را تفسیر کند.



### من کیستم؟! ○

سعی کنید به پرسش من کیستم؟ پاسخ دهید. چه وقت ما به معرفی خود می پردازیم و در چه شرایطی از ما می خواهند تا خود را معرفی کنیم؟ ما در هنگام معرفی خود چه می گوئیم؟

هنگامی که تلفنی با شخصی تماس می گیریم، اگر با صدای ما آشنا نباشد و از مطالبی که می گوئیم نیز ما را نشناسد، به معرفی خود می پردازیم. اگر هم ما خود را معرفی نکنیم او از ما خواهد پرسید. شما؟ ما در موقعیت های مختلفی با این پرسش روبه رو می شویم.

هویت در معنای اولیه و عام آن پاسخی است که به پرسش از کیستی؟ داده می شود: ما در پاسخ کیستی؟ به تناسب شناختی که از مخاطب خود داریم عباراتی بیان می کنیم. هنگام ثبت نام در مدرسه، نام و نام خانوادگی، نام پدر و تاریخ تولد، محل تولد و اطلاعاتی از این قبیل را می نویسم؛ در مسافرت و گفت و گوی با همسفر، دوست داریم شغل، تحصیلات و ویژگی های اخلاقی و روحی او را بشناسیم.

در مراسم خواستگاری، خانواده دختر و پسر، هر کدام در پی شناخت، شغل، موقعیت خانوادگی، ویژگی های ظاهری و اخلاقی دیگری هستند. بنابراین در معرفی هویت خود و دیگران از عبارات و مفاهیم بسیار متنوعی استفاده می شود. از جمله کلمات و عبارات منفی یا مثبتی که در موقعیت های مختلف در معرفی هویت افراد به کار برده می شود، عبارتند از باهوش، زرنگ، تنبل، بی نظم، فهمیده، با شخصیت، بی مبالا، کشاورز، کارمند، مؤمن، آزاده، راست گو، خون گرم، بخشنده، وقت شناس، امین، ایرانی، سفید پوست، روستایی، مهندس، پزشک، سریع و...



• اگر بخواهید در یک وب لاگ، خود را معرفی کنید چه می نویسید؟

## • ویژگی های مختلف هویت:

آیا ما در شکل گیری هویت خود مؤثر هستیم؟ آیا هویت هر کس امری شخصی و فردی است؟ یا آنکه دیگران و جامعه و فرهنگ نیز در هویت افراد سهیم هستند؟

اگر به ویژگی هایی که هنگام معرفی خود یا فردی دیگر بیان می کنیم، دقت کنیم، می توانیم پرسش های بالا را پاسخ گوئیم.

برخی از ویژگی های ما به گونه ای هستند که ما در بود و نبود آنها تأثیری نداشته ایم، و از این پس نیز در آنها تأثیری نمی توانیم داشته باشیم؛ مثل زمان و مکان تولد. اما برخی از ویژگی های هویتی توسط خود ما پدید آمده یا ما در پدید آمدن آن نقش داریم. مانند بسیاری از خصوصیات اخلاقی و شغلی.

ویژگی های دیگری هستند که ما خود در پیدایش آنها مؤثر نبوده ایم، ولی در تغییر و تبدیل آن ها می توانیم نقش داشته باشیم. مثل منزلت و احترام اجتماعی که فرد از طریق موقعیت خانوادگی به دست می آورد و در طول عمر در اثر نوع فعالیت و رفتار خود آن را حفظ می کند یا تغییر می دهد.

ویژگی هایی را که انسانها در پیدایش و تداوم آنها تأثیری نداشته باشند خصوصیات انتسابی می گویند. به ویژگی هایی که افراد در پدید آمدن آنها اثر گذار هستند، خصوصیات اکتسابی نامیده می شوند.

برخی از ویژگی های هویتی ما فردی و شخصی هستند مثل مرد یا زن بودن، زودرنج یا صبور بودن و بعضی دیگر اجتماعی و فرهنگی می باشند، یعنی فرد بدون حضور در اجتماع نمی تواند آن خصوصیات را داشته باشد. مثلاً ما با عضو بودن در جامعه ایران، ایرانی محسوب می شویم.

ویژگی های هویتی از جهت دیگری به دو نوع ثابت و متغیر تقسیم می شوند. بسیاری از خصوصیات هویتی انسان ها مانند موقعیت اجتماعی به دلایلی همواره در حال تغییر هستند، ولی برخی از خصوصیات تغییر نمی کنند یا حتی قابل تغییر نیستند مانند: مکان و زمان تولد.

اگر همه ابعاد هویتی انسان تغییر پیدا کنند، هویت فرد استمرار نخواهد داشت. هر فرد با آن که در طول زندگی خود تحولات و تغییرات بسیاری را پشت سر می گذارد، می داند همان شخصی است که همه آن تغییرات را پذیرفته است، پس هویت همواره دارای بعد ثابتی نیز هست.

• در جدول زیر ده ویژگی هویتی خود را بنویسید و اکتسابی / انتسابی بودن ، فردی / اجتماعی بودن و ثابت / متغیر بودن آنها را تعیین کنید.



خصوصیت	اکتسابی	انتسابی	فردی	اجتماعی	ثابت	متغیر
دانش آموز	●			●		●

## ● خودآگاهی

این من نه منم آن که منم گویی کیست؟

گویا نه منم در دهنم گویی کیست؟

من پیرهنی بیش نیم سر تا پای

آن کس که تنش پیرهنم گویی کیست؟

۱- موقعیت اجتماعی: جایگاهی است که یک فرد در جامعه یا در یک گروه اجتماعی اشغال می کند. آگاهی به موقعیت اجتماعی یک فرد یعنی دانستن اینکه او با چه کسانی ارتباط دارد، چه رفتارهایی را باید از او انتظار داشته باشیم و چگونه باید با او رفتار کنیم و...



بخشی از هویت آگاهانه است، یعنی ما آن را می‌شناسیم یا آن که دیگران به آن پی می‌برند، و آن را برای ما بازگو می‌کنند و بخش دیگر برای ما پنهان است و ما آن را نمی‌شناسیم.

ما گاه درباره ویژگی‌هایی از خود که به آن واقف نیستیم تأمل می‌کنیم. درباره آن‌ها می‌اندیشیم و گاهی برای شناخت خود از دیگران کمک می‌گیریم، از دوستان خود درباره نقاط قوت و ضعف خویش سوال می‌کنیم. به نزد مشاوران، روانشناسان و روانکاوان رفته و از آن‌ها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز درباره ابعاد اجتماعی و فرهنگی هویت انسان‌ها، بحث می‌کنند و در این باره نظریاتی ارائه می‌دهند. فیلسوفان نیز مباحث گسترده‌ای درباره هویت دارند.

ما تردیدی نداریم، که گاه در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران دچار خطا و اشتباه می‌شویم. وجود نظریات مختلف و متفاوتی که درباره هویت افراد داده می‌شود، نشانه این است که خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد. پیامبران و اولیای الهی نیز از دیرباز درباره ابعاد الهی، فردی و اجتماعی هویت انسانها و هم‌چنین درباره غفلت و فراموشی انسانها از هویت حقیقی خود سخن گفته‌اند.

• دین و پیامبران الهی، فیلسوفان، روان‌شناسان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان درباره غفلت و فراموشی انسانها از هویت واقعی خود نظریات متنوعی دارند. با راهنمایی دبیر خود درباره این نظریات گفت و گو کنید.





هویت ، هویت اکتسابی ، ..... ،

.....

.....

.....



به ویژگی های هویتی که انسانها در پیدایش و تداوم آنها تاثیر داشته باشند  
هویت های اکتسابی می گویند.

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



## هویت فردی و اجتماعی

### تمایز هویت فردی و اجتماعی

به پاسخ خود به پرسش کیستی؟! دوباره بیاندیشید. ویژگی هایی که بیان می کنید برخی فردی و برخی اجتماعی اند. به نظر شما این بخش های فردی و اجتماعی هویت انسان چگونه شکل می گیرند و از یکدیگر جدا می شوند؟

هویت فردی به دو بخش جسمانی و غیرجسمانی تقسیم می شود، هویت جسمانی مواردی از قبیل تاریخ تولد، وزن، قد، گروه خونی است که به بدن انسان باز می گردند و مربوط به جهان طبیعت هستند.

ویژگی های فردی غیر جسمانی شامل صفات اخلاقی و روانی مانند پشتکار، تنبلی، اخلاص، امید و یأس می باشد. این ویژگی های هویتی صفات روانی و اخلاقی آدمی هستند که مربوط به جهان نفس یا جان آدمی می باشند. هویت اجتماعی مواردی از قبیل فرزند بودن، معلم بودن، ایرانی یا مسلمان بودن است. این بخش از هویت شامل

صفتی است که ریشه در جامعه و فرهنگ دارند و در جهان اجتماعی شکل می گیرند. می دانیم جهان اجتماعی برخلاف جهان طبیعی و جهان نفسانی انسانها با فرهنگ و آگاهی مشترک آدمیان شکل می گیرد.

ما هنگامی که خود را عضو گروهی خاصی معرفی می کنیم مثلاً خود را فرزند یک خانواده می دانیم، افراد درون خانواده (پدر بزرگ، مادر بزرگ، پدر، مادر و فرزندان) و افراد بیرون خانواده (اقوام، آشنایان و دیگر افراد جامعه) معنای خانواده، قواعد، روابط، حقوق و وظایف مربوط به آن را می شناسند و رعایت می کنند. هنگامی که خود را عضو گروهی خاصی معرفی می کنیم، مثلاً این که خود را فرزند یک خانواده می دانیم، در حقیقت به هویت اجتماعی خود اشاره می کنیم.

• بخشی از هویت ما محصول نقش های اجتماعی است که به عهده داریم. برخی از نقش هایی را که در خانواده به عهده دارید نام ببرید و حقوق و تکالیف هر کدام را بنویسید.



## تعامل بخش های مختلف هویتی

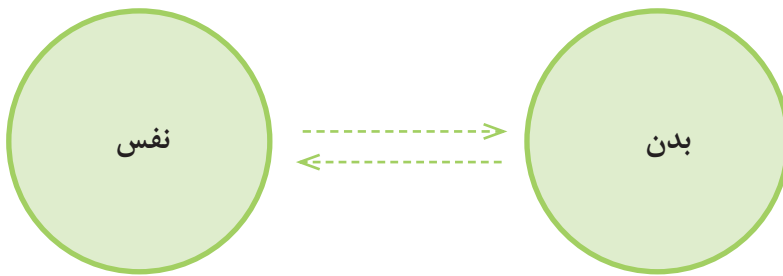
آیا بخش های فردی و اجتماعی هویت با یکدیگر ارتباط دارند و بر هم اثر می گذارند؟

جهان های سه گانه طبیعی (طبیعت و بدن انسان)، نفسانی و اجتماعی از یکدیگر جدا نیستند و بر یکدیگر اثر می گذارند.



ویژگی های جسمانی افراد بر خصوصیات روحی آن ها اثر می گذارد. بسیاری از بیماری های جسمانی سلامت نفس و روان آدمی را به خطر می اندازد، برخی از اضطراب ها ریشه در عوامل جسمانی دارد. قوای بدنی در حکم ابزار هایی برای قوای نفسانی و روانی انسانی هستند. اگر این قوا آسیب ببینند، زمینه پرورش قوای روحی و نفسانی نیز آسیب می بیند. ترشحات زیاد غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان می گردد.

ابعاد روحی و روانی انسانی نیز در وضعیت و خصوصیات جسمانی او اثر می گذارد. به همین دلیل برخی از مرضهای جسمانی از طریق کمک گرفتن قوای روحی درمان می شود. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «ما ضعف بدن عَمَّا قویت علیه النیه»<sup>۱</sup> بدن نسبت به آنچه که نیت و عزم آدمی بر آن قوی شده باشد احساس ضعف نمی کند.



جهان اجتماعی نیز با طبیعت و بدن آدمیان تعامل و تأثیر متقابل دارند. محیط های جغرافیایی مختلف تأثیراتی را در مناسبات و روابط اجتماعی می گذارند، در شرایط جغرافیایی نامناسب امکان شکل گیری زندگی اجتماعی وجود ندارد و در شرایط اقلیمی مختلف فرهنگ های متفاوتی پدید می آید.

اخوان الصفا گروهی از دانشمندان قرن چهارم هجری به تأثیر جغرافیا و طبیعت در زندگی اجتماعی انسان پرداختند. ابن خلدون نیز در قرن هشتم هجری در این باره بحث کرده است. منتسکیو اندیشمند فرانسوی نیز درباره تأثیر جغرافیای طبیعی بر فرهنگ انسانی تحقیق کرده است.

۱- من لا یحضر الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۰، ح ۵۸۵۹



● متسکیو

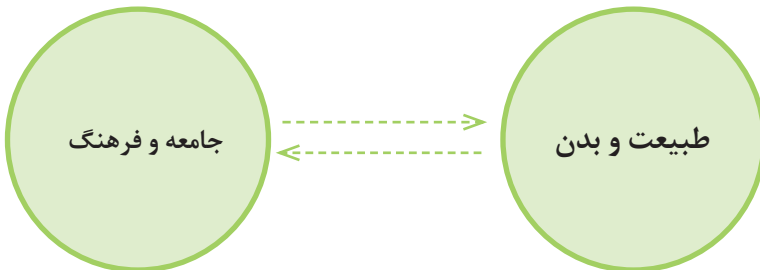


● ابن خلدون

همان گونه که جهان طبیعت و خصوصیات بدنی انسان ها در فرهنگ و جهان اجتماعی آنها اثر می گذارد، جهان اجتماعی نیز در جهان طبیعت و خصوصیات جسمانی افراد جامعه اثر گذار است.

قرآن کریم برخی از کنش های اجتماعی انسانها را مبدأ فساد می داند که در خشکی و دریا به وجود می آید<sup>۱</sup> و برخی از کنشهای دیگر را منشأ گشایش برکات آسمان و زمین بر روی انسانها می خواند<sup>۲</sup>.

امروز تأثیر کنش های اجتماعی انسان بر محیط زیست از مهمترین مسائلی است که توجه جامعه انسانی را به خود مشغول داشته است. کنش های اجتماعی انسان ها ممکن است نه تنها شرایط زیستی دیگر موجودات بلکه شرایط زیست و زندگی انسان را نیز در معرض خطر و نابودی قرار دهد.



۱- «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم، آیه ۴۱) ترجمه: در دریا و خشکی فساد ظاهر گشت به خاطر کارهای بد مردم، ظاهر گشت تا خدا به این وسیله بعضی از آثار کار بد را به ایشان بچشاند.

۲- «وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف، آیه ۹۶) ترجمه: و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند به یقن برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم و لی تکذیب کردند پس به کیفر دستاوردشان گریبان آنان را گرفتیم.

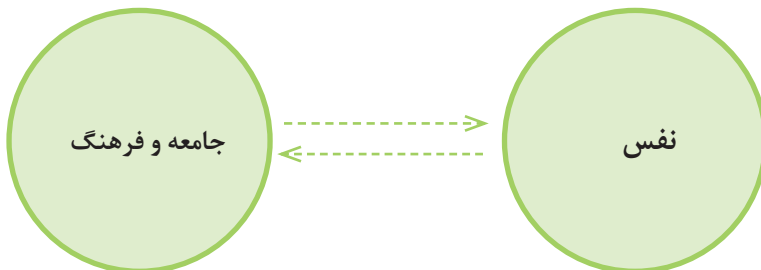


جهان اجتماعی و ویژگی های نفسانی و روانی افراد جامعه نیز تعامل و تأثیر متقابل دارند. خصوصیات روانی و اخلاقی انسان ها در جهان اجتماعی تأثیرگذار است، برخی از آدمیان به دلیل شایستگی های روحی و روانی خود، مسیر زندگی اجتماعی انسان ها را دگرگون می سازند و بعضی دیگر به دلیل شقاوت باطنی خود جامعه و تاریخی را به نابودی می کشانند.

امام خمینی می فرمایند: «یک انسان با تقوا جهانی را تغییر می دهد» ایشان خود نمونه ای از افرادی بودند که با تقوای خود توانستند، مسیر تاریخ جامعه ایران، امت اسلام و بلکه جهان امروز بشریت را دگرگون سازد.



همان گونه که خصوصیات روحی و روانی افراد در مسیر تحولات فرهنگ و تاریخ تأثیرگذار است، جهان اجتماعی نیز در خصوصیات روحی افراد اثر می گذارد و امکان رشد برخی از فضایل و ردایل را از بین می برد یا زمینه رشد آنها را فراهم می آورد.





## ● تناسب هویت های فردی و اجتماعی

آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است یا آن که هر جهان اجتماعی، براساس هویت اجتماعی خود با نوع خاصی از هویت فردی افراد سازگار است؟

هر جهان اجتماعی براساس عقاید، آرمانها و ارزشهای کلان خود شکل می گیرد و بر اساس آنها قواعد، هنجارها، نمادها، نهادها و سازمان های جامعه سازمان می یابند و همچنین هویت اجتماعی هر فرد نیز در درون جهان اجتماعی براساس همان عقاید و ارزشها رقم می خورد.

هر جهان اجتماعی به تناسب هویت خود با جهان طبیعی و جهان نفسانی (هویت اخلاقی و روانی انسانها) تعامل می کند.

- در جامعهٔ قبیله ای هویت جمعی افراد در جایگاه قبیله ای آنها مشخص می شود.
- در جامعهٔ سرمایه داری هویت اشخاص به ثروت و توان اقتصادی آنها شناخته می شود.
- در جامعهٔ دینی هویت جمعی افراد بر مدار ارزشهایی است که آن دین محترم می شمارد. مثلاً اسلام، در فرهنگ آرمانی خود هویت افراد را با علم، تقوی و عدالت ارزیابی می کند.

هر جهان اجتماعی به تناسب مبانی اعتقادی، آرمانها و ارزشهای خود با طبیعت و بدن آدمی مواجه می شود و با آن تعامل می کند. نگاه دنیوی جهان متجدد و ارزشهای اخلاقی آن به گونه ای است که به طبیعت به عنوان یک ماده بی جان برای تصرف و به



خدمت گرفتن آن نگاه می شود. انسان در این جهان هر نوع تصرفی را برای بهره وری بیشتر از طبیعت انجام می دهد.

در جهان معنوی اسلام، طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانه خداوند است. انسان در طبیعت به عنوان خلیفه خداوند است و خلیفه خداوند براساس اراده و مشیت الهی وظیفه عمران و آبادانی آن را دارد؛ یعنی انسان حق ندارد تصرفاتی را که مخالف اراده حکیمانه الهی است در جهان طبیعت و در جسم و بدن خود انجام می دهد.

هر جهان اجتماعی با نوعی خاص از هویت اخلاقی و روانی افراد نیز سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می آورد و امکان پیدایش و رشد



● ورزشکار شهید، سعید طوقانی



● جهان پهلوان غلامرضا تختی

دیگر انواع را از بین می برد. به عنوان مثال جهان غرب به تناسب رویکرد این جهانی خود، با آن دسته از اوصاف روانی و اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمانها و ارزشهای دنیوی آن شکل گیرند و با ویژگی های اخلاقی ای که براساس ارزشهای معنوی و الهی وجود انسان شکل گرفته باشند، سازگار نیست. همان گونه که هویت جمعی جهان مدرن، با هویت روانی و اخلاقی معنوی ناسازگار است، هویت اخلاقی و الهی انسان نیز، نمی تواند با هویت جمعی دنیوی این جهان سازگاری داشته باشد.

● با کمک معلم خود اخلاق عیاری ورزشکاران جهان اسلام (اخلاق پهلوانی) را با اخلاق ورزشی جهان جدید (اخلاق قهرمانی) مقایسه کنید؟ و تناسب این دو نوع اخلاق را با ارزشهای کلان اجتماعی بیان کنید.



● آشوب طلبان ورزشی در انگلیس





هویت فردی، هویت اجتماعی، ..... ، .....

.....

.....



هویت اجتماعی شامل صفاتی است که ریشه در جامعه و فرهنگ دارند و در جهان اجتماعی شکل می گیرند.

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....





## بازتولید هویت اجتماعی

### هویت اجتماعی و جامعه پذیری

یک کندوی زنبور عسل را در نظر بگیرید در آن چندین گروه زنبور وجود دارد و هر گروه وظیفه خود را به صورت غریزی انجام می دهد. در صورتی که انسان به طور غریزی، فعالیت های گروهی و اجتماعی خود را انجام نمی دهد. به نظر شما انسانها، چگونه به موقعیت اجتماعی خود پی می برند و چگونه هویت اجتماعی خود را شکل می دهند؟

هر فرد در یک جهان اجتماعی متولد می شود، این جهان اجتماعی به وسیله نسل های قبل از او ایجاد شده است.

جهان اجتماعی به هنگام تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می کند، یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می شناسد و برای او شناسنامه ای متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می گیرد و فرد به تدریج با هویتی که جامعه برای او در نظر گرفته است آشنا می شود.

جهان اجتماعی برای تداوم حیات خود، اعتقادات، ارزشها و هنجارهای زندگی مناسب



با خود را از طریق نهادهای فرهنگی به فرد آموزش می دهد. فرد با آموزش هایی که در خانواده می بیند، اولین و مهمترین آشنایی ها را با جهانی که در آن متولد شده است، پیدا می کند.

مدرسه، گروه های همبازی و رسانه های جمعی از دیگر عوامل آشنایی کودک با جهانی هستند که در آن زندگی می کند.

به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می کند و مسیری که برای تکوین و شکل گیری هویت اجتماعی افراد طی می شود جامعه پذیری می گویند.

• آیا جامعه پذیری در جوامع مختلف شیوه واحد و ثابتی دارد یا متفاوت است، در این باره بیندیشید و نمونه بیاورید.



## • هویت و کنترل اجتماعی

آیا فرایند جامعه پذیری همیشه با موفقیت انجام می شود؟ آیا افراد می توانند از پذیرش عقاید، ارزشها، قواعد و هنجارهای اجتماعی سرباز زنند، جامعه برای استمرار و تداوم خود چه می کند؟

انسان ها دارای اختیارند و همواره می توانند هویتی را که جامعه برای آنان در نظر گرفته است، نپذیرند یا آن که در مسیر قواعد و هنجارهای اجتماعی حرکت نکنند. همواره افرادی هستند که جذب عقاید، ارزشها و آرمانهای جهان اجتماعی خود نمی شوند و نقشی را که سازمانها و بخش های مختلف جامعه از آنها انتظار دارد، نمی پذیرند و رفتارهای مخالف انجام می دهند. به رفتارهایی که بر خلاف عقاید، ارزشها و قواعد و هنجارهای جامعه هستند، کجروی اجتماعی می گویند. هر جامعه در تداوم جامعه پذیری برای آن که افراد شیوه های زندگی آن را بپذیرند و همچنین برای





پیشگیری و کنترل کجروی های اجتماعی روش های زیر را دنبال می کند:

۱. تبلیغ و اقناع: جامعه از طریق نهادهای فرهنگی و آموزشی می کوشد تا باورها، عقاید و ارزشهای خود را به گونه ای تبلیغ کند که افراد قانع شوند.
  ۲. تشویق و پاداش: جامعه افرادی را که مطابق ارزشها و قواعد جامعه عمل کنند تشویق کرده و به آنها پاداشهایی می دهد.
  ۳. تنبیه و مجازات: جامعه کسانی را که به انحراف اجتماعی دچار شده باشد، تنبیه و مجازات می کند.
- به مجموعه فعالیت هایی که برای پذیرش فرهنگ و انطباق دادن افراد با انتظارات جامعه انجام می شود کنترل اجتماعی می گویند.

- ۱. جامعه برای حفظ سلامت عمومی نیازمند پزشکان متخصص است. به دست آوردن تخصص کاری دشوار است. به نظر شما در جامعه برای جذب افراد به رشته پزشکی چه کارهایی انجام می شود؟
- ۲. برخی از پزشکان ممکن است برخلاف هنجارهای پذیرفته شده عمل کنند. برخی از کجروی های اجتماعی پزشکی را نام ببرید و راه ها و شیوه های پیشگیری و کنترل آن را بیان کنید؟



## ● مراتب کنترل اجتماعی

شما کم و بیش با تبلیغ، تشویق و تنبیه آشنا هستید. به نظر شما این سازوکارها در چه مواردی به کار برده می شوند؟ آیا همه جوامع روشهای یکسانی برای آن ها دارند؟

اقناع روشی است که به واسطه آن فرهنگ در افراد درونی می شود. هرچه قدرت اقناع یک فرهنگ بیشتر باشد افراد رفتارهای متناسب با آن فرهنگ را بهتر انجام می دهند. فرهنگ هایی که زمینهء منطقی و عقلانی بیشتری دارند و با فطرت آدمیان سازگارترند



از قدرت اقناعی بیشتری برخوردارند. تشویق و تنبیه بیشتر در مورد کسانی که ارزشهای فرهنگی را به میزان کمتری درونی کرده اند به کار برده می شود. تشویق و تنبیه نسبت به پدیده های مختلف فرهنگی یکسان انجام نمی شود، هر پدیده فرهنگی به میزان اهمیتی که دارد از تشویق یا تنبیه بیشتری برخوردار است. تشویق و تنبیه به دو صورت رسمی و غیر رسمی انجام می شود. شکل غیر رسمی پاداش و تنبیه بیشتر در خانواده، بین همسالان یا به وسیله عموم افراد جامعه انجام می شود. پاداش و مجازات رسمی بیشتر توسط سازمانها و مؤسسات اجتماعی مانند ادارات، پلیس و دادگاه و زندان صورت می گیرد. روش های غیر رسمی، آثار عمیق تری دارند. جامعه و فرهنگی که روشهای مناسبی برای تبلیغ، تشویق و تنبیه نداشته باشد در معرض آسیب ها و ناهنجاری های بیشتری قرار می گیرد و دوام و بقای آن تهدید می گردد. امر به معروف و نهی از منکر دو عنصر فرهنگی در آموزه های اسلامی هستند، این دو عنصر دارای آثار فردی و اجتماعی و نتایج معنوی و دنیوی هستند. امر به معروف و نهی از منکر در فرایندهای جامعه پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارند. امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتب و روشهای مختلفی است برخی از روشهای آن تبلیغی و برخی تشویقی یا تنبیهی است. مسئولیت برخی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر به عهده همه افراد جامعه است و مسئولیت برخی از مراتب آن برعهده سازمانهای رسمی و حکومتی است.

• مسئولیت کدام مراتب امر به معروف و نهی از منکر، همگانی است و کدام مراتب آن وظیفه نهادها و مراکز رسمی است.



جامعه پذیری ، کجروی اجتماعی ، .....

.....

.....



به فرایند مشارکت هر فرد در زندگی اجتماعی و مسیری که برای تکوین و شکل  
گیری هویت اجتماعی طی شود جامعه پذیری می گویند.

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....

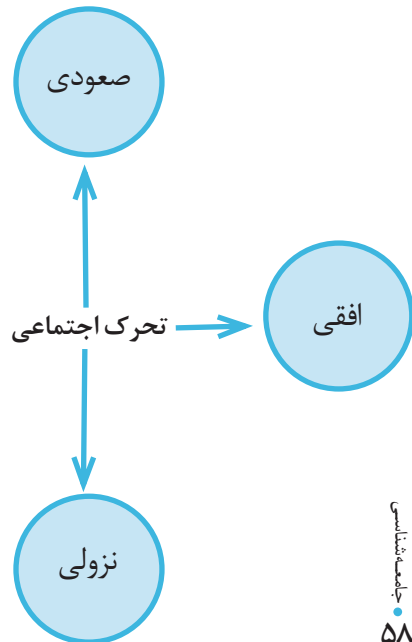


## تغییرات هویتی و تحولات اجتماعی

### ● هویت اکتسابی و تحرک اجتماعی

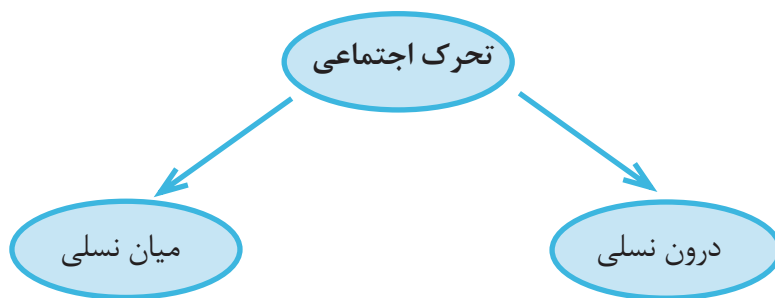
کسب هویت های اجتماعی جدید با تغییراتی در موقعیت های اجتماعی افراد همراه است. این تغییرات موقعیتی می تواند چه صورتها و اشکالی داشته باشد؟

انسانها پس از تولد اغلب هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت انفعالی در محیط خانواده و غیر آن می پذیرد، آنها پس از مدتی به گونه ای فعال با محیط اجتماعی خود برخورد می کنند و با برخورد فعال، هویت اکتسابی اجتماعی خود را به دست می آورند و با کسب این هویت های اجتماعی جدید، موقعیت های اجتماعی نوینی را به دست می آورند. جابجایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر را تحرک اجتماعی می گویند. تحرک



اجتماعی سه نوع صعودی، نزولی و افقی دارد. کارمند یک اداره هنگامی که مدیر بخش اداره می شود و یا مدیر یک بخش هنگامی که مدیر کل می گردد، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است. مدیر اداره هنگامی که از مدیریت عزل می شود و به صورت یک کارمند عادی به کار خود ادامه می دهد، تحرک اجتماعی نزولی دارد. شخصی که شغل خود را تغییر می دهد، در صورتی که شغل جدید موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد. کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر انتقال پیدا می کند، تحرک اجتماعی افقی پیدا کرده است.

• تحرک اجتماعی گاه در درون یک نسل و گاه در دو نسل اتفاق می افتد، نمونه های از تحرک اجتماعی درون نسلی و میان نسلی را بیان کنید.



## • فرصت های اجتماعی

آیا افراد در جهانی که زندگی می کنند، می توانند هر نوع هویت اجتماعی را به دست بیاورند؟

فرصت هایی که افراد در جهانهای مختلف برای تحرک اجتماعی و کسب هویت های اجتماعی جدید دارند، یکسان نیست و هر جامعه به تناسب عقاید و ارزشهایی که دارد برخی تغییرات هویتی و تحرکات اجتماعی را تشویق و برخی دیگر را منع می نمایند. مثلاً:

- جامعه ای که براساس ارزشهای نژادی شکل می گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاص امکان تحرک اجتماعی صعودی فراهم می آورد.
- جامعه ای که مناسبات و روابط آن بر مدار ارزشهای اقتصادی شکل می گیرد، تحرکات اجتماعی صعودی را تنها برای کسانی ممکن می سازد که منابع ثروت را در اختیار دارند.
- جهانی که بر مدار ارزشهای دنیوی و این جهانی شکل می گیرد، تحرکات اجتماعی را



در محدوده همان ارزشها به رسمیت می شناسد .

• در یک جهان سکولار، هویت دینی و معنوی افراد نمی تواند در جامعه بروز و ظهور اجتماعی داشته باشد. در این جهان فعالیت هایی که هویت دینی افراد را آشکار کند، منع می شوند. در جوامع سکولار و دنیوی امکان رأی دادن به قوانین معنوی و الهی وجود ندارد.

• در یک جهان دینی و معنوی نیز هویت هایی که ابعاد متعالی و الهی انسان را نفی کنند، به رسمیت شناخته نمی شوند.

• اکثریت مردم الجزایر در سال ۱۹۹۱ میلادی به حاکمیت اسلامی رأی دادند اما کودتای نظامی مانع از اجرای نتایج انتخابات شد. رئیس جمهور وقت آمریکا در دفاع از این کودتا گفت: مردم الجزایر نیاز به دموکراسی کنترل شده دارند، این عبارت رئیس جمهور آمریکا را تحلیل کنید.



## تعارضات فرهنگی

اگر تغییرات هویتی مطابق عقاید و ارزش‌های جامعه نباشد و فرا تر از فرصت‌هایی باشد که در یک جهان اجتماعی وجود دارد، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

تا هنگامی که هویت جمعی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های کلان جامعه شکل گیرد، تغییرات هویتی در درون یک جهان اجتماعی واحد رقم می‌خورد و این تغییرات نه تنها در تعارض با هویت فرهنگی جامعه قرار نمی‌گیرد بلکه می‌تواند مستلزم گسترش و توسعه فرهنگ اجتماعی باشد و به همین دلیل این گونه تغییرات می‌تواند مورد تشویق و تأیید جامعه نیز قرار گیرد.

فردی که با تلاش و پشتکار خود، در یکی از عرصه‌های اجتماعی دست به نوآوری می‌زند و از این طریق موقعیت اجتماعی خود و بخشی از افراد جامعه را ارتقاء می‌بخشد، مورد تأیید جامعه واقع می‌شود.

تغییرات هویتی افراد گاه از مرزهای مورد قبول یک فرهنگ فراتر می‌رود. اگر تغییرات هویتی در خارج از مرزهای مقبول فرهنگی جامعه واقع شود و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌های اجتماعی در تقابل هستند به دنبال بیاورد به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد.

تعارضات فرهنگی، می‌تواند علل مختلفی داشته باشد، برخی از علل آن، درونی است و به نوآوری‌ها و فعالیت‌های افرادی که در درون فرهنگ اجتماعی حضور دارند باز می‌گردد و برخی از علل، بیرونی است و در اثر تأثیر پذیری از فرهنگ‌های دیگر به وجود می‌آید.

• به نظر شما، آیا هر نوع از ابداع و نوآوری و یا هر نوع مواجهه و اقتباس از فرهنگ‌های دیگر به تعارضات فرهنگی منجر می‌شود. برای هر مورد نمونه‌هایی را ذکر کنید.





تحرک اجتماعی ، فرصت اجتماعی ،

.....

.....



جهان اجتماعی برای تحرک اجتماعی و تغییرات هویتی فرصتها و

محدودیتهایی ایجاد می کند.

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



### هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جامعه

دانشتیم هویت اجتماعی افراد محصول عضویت اجتماعی و گروهی آنهاست. جامعه نیز هویت خاصی دارد که از آن به هویت فرهنگی جامعه تعبیر می شود. به نظر شما هویت فرهنگی جامعه چیست و چه تفاوتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟

هویت فرهنگی جامعه بر مدار عقاید و ارزشهای اجتماعی شکل می گیرد. هویت فرهنگی هنگامی محقق می شود که عقاید و ارزشهای مشترکی در جامعه شکل گیرد. یعنی هر گاه نوعی از عقاید و ارزشها از سوی افراد جامعه پذیرفته و به رسمیت شناخته شود، هویت فرهنگی بر مدار آن عقاید و ارزشها پدید می آید.

هویت فرهنگی جامعه پدیده ای گسترده تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی افراد همواره در پرتو هویت فرهنگی جامعه شکل می گیرد.

هویت فرهنگی به اقتضای بخش های مختلف اجتماعی فرصت شکل گیری هویت های اجتماعی متفاوتی را پدید می آورد و در برابر انواع هویت های اجتماعی که با عقاید و ارزشهای آن ناسازگار باشند مقاومت می کند.



● زندان های ساواک

● افتتاح کنفرانس حقوق بشر توسط شاه!



هویت فرهنگی تا زمانی که عقاید و ارزشهای مربوط به آن مورد پذیرش افراد جامعه و برای آنها مهم باشند دوام می آورد و هرگاه عقاید و ارزشها اهمیت و اعتبار خود را از دست بدهند زایل و نابود می شود.

● آیا هویت فرهنگی جامعه می تواند مستقل از هویت اجتماعی افراد وجود داشته باشد یا نه؟



## ● تزلزل فرهنگی و بحران هویت

تزلزل فرهنگی چیست و چه ارتباطی با بحران هویت دارد و آیا هر بحران هویتی به تحولات فرهنگی منجر می شود؟

اگر شیوه زندگی، ناسازگار با عقاید و ارزشهای اجتماعی یک فرهنگ پدید کند و فرهنگ نتواند رفتارهای اجتماعی را مطابق با مبانی خود، سازمان بخشد تعارض این دو بخش فرهنگی می تواند به تزلزل فرهنگی منجر شود.

تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می دهد که مبادی هویت ساز فرهنگ، یعنی عقاید ارزشها و آرمانها، ثبات و استقرار خود را در متن فرهنگ از دست بدهد.

تزلزل فرهنگی با بحران هویت همراه است، زیرا بحران هویت در جایی به وجود می آید که جامعه توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزشهای اجتماعی خود را نداشته باشد.

بحران هویت می تواند، به دگرگونی و تحول هویت فرهنگی منجر شود. با تغییر هویت

تغییرات اجتماعی از محدوده تغییراتی که در درون یک فرهنگ رخ می دهد فراتر می رود و به صورت تحولات فرهنگی و تمدنی در می آید. تغییرات فرهنگی و تمدنی می تواند مثبت یا منفی باشد. اگر فرهنگی که گرفتار زلزله، بحران و تحول می شود، اولاً فرهنگی باطل باشد؛ ثانیاً جهت تغییرات نیز به سوی فرهنگ حق باشد، تحولات فرهنگی مثبت است و اگر فرهنگی که رسمیت و اعتبار اجتماعی خود را از دست می دهد فرهنگ حق باشد یا آن که جهت تحولاتی که در فرهنگ واقع می شود به سوی فرهنگ حق نباشد تحول مثبت نیست. تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعه نبوی به جامعه اموی تحول فرهنگی منفی است.



● به نظر شما تفاوت زلزله فرهنگی با تعارض فرهنگی در چیست؟ آیا تعارض فرهنگی به زلزله فرهنگی منجر می شود؟

## ● علل درونی تحولات فرهنگی

تغییرات و تحولات فرهنگی چرا رخ می دهد و چه علل و عواملی آن را به وجود می آورند.

علل و عواملی که بحرانهای فرهنگی را به وجود می آورند و هویت های فرهنگی را تغییر می دهند، به دو بخش درونی و بیرونی تقسیم می شوند. علل درونی یا به کاستی ها و بن بست هایی که در هویت خود فرهنگ وجود دارد باز



● کاریکاتور از دیوید لوین





می گردد یا به ابداعات و نوآوری های مثبت و منفی افرادی که در درون آن فرهنگ و تمدن قرار دارند مربوط می شوند. علل بیرونی، به مواجهات و ارتباطات بین فرهنگی باز می گردد.

یک فرهنگ اگر پس از تحقق و شکل گیری با کاستی ها و بن بست های درونی مواجه شود، گرفتار کهولت و مرگ طبیعی می شود. مرگ طبیعی یک فرهنگ هنگامی رخ می دهد که آن فرهنگ به سبب به کارگیری تمامی ظرفیت های خود، با هویت جسمانی و معنوی افراد اصطکاک پیدا کند و از پاسخ به نیازهای طبیعی و جسمانی یا فطری و معنوی آنها باز ماند. فرهنگ که نتواند نیازهای جسمانی و طبیعی آدمیان را سازمان دهد. با بحرانهای زیست محیطی و اقتصادی و معیشتی به بن بست می رسد. فرهنگی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند و پرسش های وجودی آدمیان را درباره معنای زندگی و مرگ پاسخ ندهد و در مسیر غفلت از این پرسش ها روزگار بگذراند یا با شکاکیت و پوچ انگاری مواجه شود، نشاط زندگی را از دست می دهد و با انواع مختلف آسیب ها مانند یأس، ناامیدی و خودکشی رویاروی می شود.

کاستی و خلأ معنوی اندیشوران و متفکران اجتماعی را به باز اندیشی درباره بنیانهای عقیدتی و ارزشی فرهنگ فرا می خواند و آنها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی جامعه تشویق می کند.

● متفکرین جهان غرب، در طی قرن بیستم آثار متعددی را درباره بحران دنیای متجدد و دوران بعد از تجدد، (پسامدرن) نوشته اند. درباره این آثار و رویکردهای آنان تحقیق کنید.





بحران هویت ، تحولات هویتی ، .....

.....

.....



هویت فرهنگی جامعه، گسترده تر از هویت اجتماعی افراد است.

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



۱۰

دستم

## از خودبیگانگی فرهنگی

### ارتباطات بین فرهنگی

ارتباطات و داد و ستدهای فرهنگی می تواند شکل های مختلفی داشته باشد. کدام نوع از ارتباطات فرهنگی به توسعه و بسط یک فرهنگ منجر می شود و کدام نوع از ارتباطات، تحولات فرهنگی را به دنبال می آورد؟

ارتباطات فرهنگی گاه، در محدودهٔ هنجارها و شیوه های زندگی یک فرهنگ است و گاه در سطح عقاید، ارزشها و آرمانهای اجتماعی آن است. اگر یک فرهنگ در سطح عقاید و ارزشهای اجتماعی خود استوار بماند، می تواند در محدودهٔ هنجارها، عناصری از فرهنگ های دیگر را اخذ کند و در صورت لزوم تغییرات و تصرفات لازم را نیز در آنها پدید آورد.

فرهنگی که با حفظ عقاید و آرمانها و ارزشهای خود با فرهنگ های دیگر تعامل و داد و ستد داشته باشد، زمینهٔ گسترش و توسعهٔ خود را فراهم می آورد.

جهان اسلام در سده های نخستین رویارویی با فرهنگ های دیگر، با حفظ اصول خود، به تعامل پرداخت، و به همین دلیل عناصر سازگار با آن اصول را از دیگر فرهنگ ها اخذ کرد و در صورت نیاز به بازسازی آن عناصر نیز اقدام کرد. به دلیل اهمیتی که اسلام به عقل و عقلانیت می دهد جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد به تناسب هستی شناسی توحیدی خود در علوم مختلف آنها نیز تصرف کرد. فرهنگ اسلامی عناصر اساطیری و مشرکانه این دو فرهنگ را نپذیرفت.

در تعاملات بین فرهنگی هر گاه یک فرهنگ بر عقاید و ارزشهای خود پافشاری نکند. و داد و ستد فرهنگی به لایه های عمیق آن نیز سرایت کند، در این صورت به مرور زمان فرهنگی که به عقاید و آرمانهای خود پشت کند تحولات هویتی پیدا می کند. فرهنگی در مسیر تحولات هویتی خود ارزشها و عقاید فرهنگ دیگر را قبول کند، به آن فرهنگ ملحق می شود و اگر از مسیر ابداعات و نوآوریهای درونی عبور نماید هویت جدیدی مناسب با آن نوآوری ها به دست می آورد.

● مسجد جامع یزد/ بنای گنبد خانه متعلق به دوره ایلخانی و سر در مسجد متعلق به زمان شاهرخ و دوره تیموری است.





فرهنگ اسلامی در رویارویی با فرهنگ های دیگر زمینهٔ تحولات هویتی آنها را پدید آورد. بسیاری از فرهنگ ها در تعامل با فرهنگ اسلامی، عقاید و ارزشهای توحیدی آن را پذیرفتند و به دنیای اسلام ملحق شدند. جهان غرب در طی جنگ های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی، تحولاتی هویتی پیدا کرد و بار دیگر با عبور از عقاید و ارزش های مسیحیت قرون وسطی، به عقاید و ارزش های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد.

• جهان غرب در قرون وسطی پس از مواجهه با فرهنگ اسلامی چه عکس العمل هایی نشان داد؟ کدام بخش از فرهنگ اسلامی را نپذیرفت و کدام بخش از آن را قبول کرد.



## • خود باختگی فرهنگی:

برخی جوامع و فرهنگ ها در مواجهه با فرهنگ های دیگر، ممکن است دچار خود باختگی فرهنگی شوند. آیا می دانید خود باختگی فرهنگی چیست و چه تأثیری در تعاملات فرهنگی دارد؟

خود باختگی فرهنگی یک آسیب عمیق فرهنگی است که مانع تعامل و دادوستد فرهنگی می شود.

یک فرهنگ هنگامی به دادوستد و تعامل فرهنگی می پردازد که افراد متعلق به آن به گونه ای فعال براساس نیازها و مسائل درون فرهنگی با فرهنگ دیگر رویارو شوند.

اما اگر افراد یک جامعه مبهوت و مقهور جامعه دیگر شوند و در نتیجه آن، حالت فعال و خلاق خود را درگزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند، در آن جامعه خود باختگی فرهنگی رخ می دهد.

جامعه ای که در طول تاریخ به خودباختگی فرهنگی گرفتار می شود، عناصر فرهنگ دیگر را در سطوح مختلف، بدون تحقیق و گزینش و به گونه ای تقلیدی فرا می گیرد.

جامعه خودباخته به دلیل این که ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می دهد و به روش تقلیدی عمل می کند نه امکان تداوم و بسط فرهنگ گذشته خود را دارد و نه توان عبور و گذر از آن را؛ و نه می تواند به فرهنگ دیگری که در مقابل او قرار گرفته و مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود.

بسیاری از جوامع غیرغربی در رویارویی با فرهنگ غرب به دلیل این که مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر غرب شدند، به خود باختگی فرهنگی گرفتار آمدند. خود باختگی جوامع غیرغربی در برابر فرهنگ غرب را غرب زدگی می نامند.

● به نظر شما جوامع غرب زده برای دستیابی به تعامل فرهنگی با جهان غرب چه مسیری را باید بپیمایند؟



## ● انواع از خودبیگانگی فرهنگی

دانستیم که در مواقعی افراد دچار از خودبیگانگی می شوند. از خود بیگانگی در سطح فرهنگ نیز به کار می رود که دو معنای مختلف دارد، تفاوت این دو معنا در چیست؟

معنای اول از خود بیگانگی فرهنگی این است که یک جامعه فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، جوامع خود باخته ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر هویت خود را از یاد می برند، به این معنای از خود بیگانگی گرفتار می شوند.

معنای دوم از خود بیگانگی این است که، عقاید، و ارزشهای یک جامعه مانع آشنایی درست افراد جامعه با انسان و جهان می گردند.

فرهنگ هایی که براساس فطرت انسانی شکل نگرفته اند و از عقاید و ارزشهای درستی برخوردار نیستند نمی گذارند که انسانها، به تفسیر و شناختی صحیح از عالم و آدم نایل شوند.

انسان در جهانی که به وسیله این فرهنگ ها ساخته می شود، از حقیقت خود و از حقیقت هستی دور می ماند. جهانی که در افق نگاه انسان در فرهنگ های باطل ترسیم



می شود، سرابی از حقیقت است، و به همین دلیل فطرت آدمی در چنین جهانی به آرامش نمی رسد. و به اضطراب و تشویش گرفتار می شود و در نهایت نیز سر به عصیان و اعتراض برمی دارد. براساس نگاه قرآن، انسان هنگامی به شناخت حقیقت خود و حقیقت جهان می رسد که با نگاهی توحیدی به انسان و جهان بنگرد. قرآن کریم فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می داند و می فرماید: **ولا تکنوا کالذین نسوا الله فانسهم انفسهم (حشر/ ۱۹)** همچون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند، سپس خداوند نیز آنها را از یاد خودشان برد.

براساس این نگاه تنها فرهنگ توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می گشاید و او را با خود، و با جهان هستی آشنا می گرداند، انسان خود آگاه خویش و جهان را آیات و نشانه های خداوند می یابد و همواره انیس و هم نشین خداوند است. فرهنگ های مشرکانه اساطیری و فرهنگ های سکولار و دنیوی آدمی را نه تنها از حقیقت جهان بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می گردانند.

• آیا معنای اول و دوم از خود بیگانگی لازم و ملزوم یکدیگرند یا آنکه جامعه ای می تواند در معنای اول از خود بیگانه نباشد و در معنای دوم، از خود بیگانه باشد؟ در صورتی که قائل به تلازم آن دو نیستید، نمونه ای از عدم تلازم این دو معنا ذکر کنید.





خودبیینگانی فرهنگی ، غرب زدگی ، ..... ، ..... ، .....

..... ، ..... ، ..... ، ..... ، .....

..... ، ..... ، ..... ، ..... ، .....



از خودبیینگانی فطری و از خود بیینگانی تاریخی دو نوع متفاوت از خودبیینگانی فرهنگی است.

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



## ● هویت ایرانی قبل و بعد از ظهور اسلام

هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام چگونه بوده است و اسلام چه تأثیری در هویت ایرانی داشته است؟

ایران سرزمینی است که تاریخ آن بیش از پنج هزار سال قدمت دارد. در این سرزمین همواره اقوام مختلفی زندگی کرده اند، هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی دینی و آمیخته با اساطیر است. روایتی از این هویت را در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی می توان دید. اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت های اجتماعی متفاوتی داشته اند در عقاید و ارزشهای آیین زرتشت که با آموزه های اساطیری در آمیخته بود، هویت فرهنگی واحدی پیدا کردند.

اسلام عناصر مشترکانه اساطیری هویت ایرانی را بر نتافت و ایرانیان با پذیرش اسلام به تفسیری توحیدی از هویت خود دست یافتند. عقاید و ارزشهای توحیدی اسلام، ایران را به جهان اسلام ملحق ساخت و هویت ایرانی به صورت هویت اجتماعی بخشی از جهان اسلام درآمد.

فارسی دری از دیرباز به عنوان زبان سیاسی دربار ایران زبان رسمی مشترک اقوام مختلفی بود که در سرزمین پهناور ایران زندگی می کردند، این زبان به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام از محدودهٔ زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی عبور کرد و به عنوان زبان فرهنگی دوم جهان اسلام، مرزهای مختلف امپراطوری های گورکانی و عثمانی را در نوردید. و در مناطق مختلف جهان اسلام از هندوستان و تبت تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان گسترش یافت.

• دربارهٔ نقش مولوی، سعدی و حافظ در گسترش زبان فارسی به عنوان زبان دوم فرهنگی جهان اسلام گفت و گو کنید.



## • هویت ایرانی در رویارویی با فرهنگ غرب

مدتی از مواجههٔ جهان غرب با فرهنگ ایرانی می گذرد. جهان غرب چه تأثیری در هویت فرهنگ ایرانی داشته است؟

بخش های مختلف جهان اسلام و از جمله ایران در تاریخ اسلامی خود با هجومهای نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده است. فرهنگ اسلامی در طی سده های مختلف یا مانند آنچه در جنگ های صلیبی گذشت، به دفع مهاجمان پرداخت یا مانند آنچه در حمله مغول رخ داد، مهاجمان را در درون خود جذب و هضم کرد. برخورد جهان غرب با جهان اسلام تجربهٔ جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است.

قدرت سیاسی و نظامی غرب در نخستین رویارویی ها، بخش هایی از ذهنیت مسلمانان را به خودباختگی فرهنگی دچار ساخت و این امر سبب شد تا تصویری که تاریخ نگاران غربی و مستشرقان از هویت جامعهٔ اسلامی القا می کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله در جامعهٔ ایران رواج پیدا کند.

هویت فرهنگی جوامع اسلامی در این تصویر، توحیدی و یا حتی اساطیری نیست. بلکه هویتی سکولار و دنیوی است که به ابعاد تاریخی و جغرافیایی آن محدود می گردد. این هویت در قالب عناوین قوم گرایانه و ناسیونالیستی امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر، ترک، عرب و فارس تقسیم می کرد.

متفکرین ایرانی از دههٔ سی به بعد آثاری را در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت های کاذبی که از این طریق ساخته می شد، آثاری با عناوینی نظیر **غرب زدگی** و **بازگشت به خویشتن**، پدید آوردند و برخی از اندیشمندان مسلمان کتابهایی را دربارهٔ خدمات متقابل اسلام و ایران و همچنین فطرت و خویشتن الهی انسان تدوین کردند.



## ● هویت ایرانی و انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران چه ارتباطی با هویت جامعه ایرانی دارد؟ و چه تأثیری در احیای هویت جهان اسلام داشته است؟

انقلاب اسلامی ایران حاصل مقاومت هویت اسلامی جامعه در برابر هجوم سیاسی و اقتصادی غرب بود که به سبب خودباختگی فرهنگی نخبگان و رجال سیاسی به مدت یک سده ادامه داشت. بازگشت ایران به اسلام بازگشت به یک خویشتن صرفاً تاریخی و جغرافیایی که با اندیشه‌های دنیوی غربی تفسیر می‌شد نبود، بلکه بازگشت به خویشتن الهی و توحیدی بود.

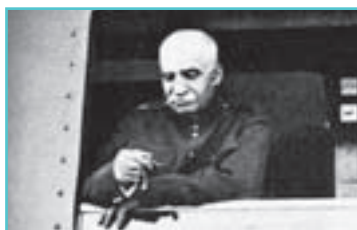
جامعه ایران به رهبری امام خمینی(ره) و با استفاده از آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم السلام، با بازگشت به هویت اسلامی، تاریخ و جغرافیای خود را در ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و به این ترتیب از مرزهای جامعه ایمانی خود در برابر جهانی که

در مقابل او صف کشیده بود، به مدت هشت سال دفاع کرد. جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود، به صورت قلب تپنده بیداری اسلامی در آمد و جهان اسلام اینک با الهام از انقلاب اسلامی ایران هویت خود را بیرون از تصاویری که دنیای غرب برای آن القا می کرد، جستجو می کند و به این ترتیب اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر می گردد.

حیات معنوی اسلام، افق های جدیدی را بر روی اندیشمندان جهان غرب نیز گسترده است و نظریه پردازان غربی را که طی قرن بیستم سکولاریزم و دنیوی شدن را به عنوان سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می دانستند، به تأمل و بازبینی نظرات پیشین خود فراخوانده است.



• حجاب و پوشش به عنوان نماد هویت جهان اسلامی در صد ساله اخیر فراز و فرودهایی داشته است. در دوران رضاخان حجاب مسئله درون جامعه ایران بود و زنان مسلمان اجازه رعایت ضوابط دینی خود را نداشتند و اینک حجاب مسئله کشورهای اروپایی شده است و برخی از کشورهای اروپایی از ورود زنان با حجاب در مراکز آموزشی ممانعت می کنند. جا به جایی مسئله حجاب از درون کشورهای اسلامی به درون کشورهای اروپایی را با نظر به هویت جهان اسلام تحلیل کنید.







هویت ایرانی ، بازگشت به خویشتن ، .....

.....

.....



زبان فارسی دومین زبان فرهنگی جهان اسلام است.

.....

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....

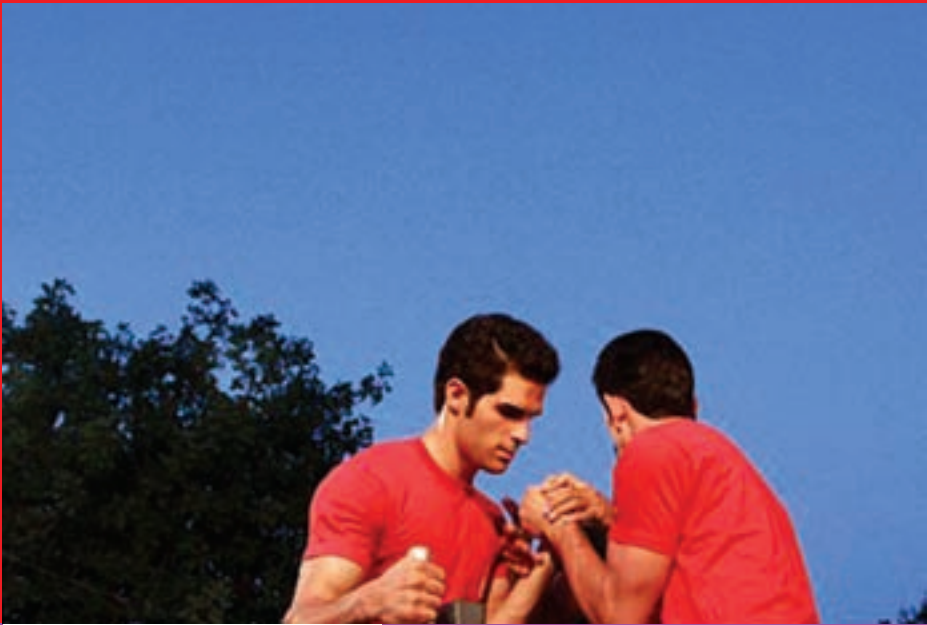


فصل سوم  
قدرت و سیاست

- درس دوازدهم: ← قدرت و اقتدار
- درس سیزدهم: ← نظام سیاسی
- درس چهاردهم: ← انواع نظام سیاسی

### ● انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش‌آموز:

- ۱ تفاوت مقبولیت و مشروعیت قدرت را توضیح دهد.
- ۲ معانی قدرت و قدرت اجتماعی را از یکدیگر باز شناسد.
- ۳ رابطه نظام سیاسی را با سایر نظام های اجتماعی تحلیل کند.
- ۴ نسبت سیاست، قدرت و حکومت را تشریح نماید.
- ۵ با بعضی از معیارها و گونه شناسی های نظام های سیاسی آشنا شود.
- ۶ آرمانها و ارزشهای اجتماعی اسلام را بشناسد و برای تحقق آنها در جامعه احساس مسئولیت کند.
- ۷ نظام سیاسی جمهوری اسلامی، مبانی و ویژگیهای آن را تشریح کند.



### ○ قدرت اجتماعی

همه ما واژه قدرت را بارها شنیده و به کار برده ایم؛ آیا به معنای آن اندیشیده اید؟ آیا می دانید قدرت اجتماعی چیست و چگونه پدید می آید؟

هرگاه موجودی بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است؛ انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با علم و اراده انجام می دهد، کنشگری قدرتمند است. قدرت انسان به دو نوع فردی و اجتماعی تقسیم می شود.

قدرت فردی انسان محدود است؛ به گونه ای که نمی تواند نیازهای خود را به تنهایی انجام دهد و برای تأمین غذا، پوشاک، و نیازهای اولیه زندگی خود، به کمک دیگران احتیاج دارد.

کودک تا مدتها، با کمک دیگران به زندگی خود ادامه می دهد و حتی هنگامی که می تواند با اراده خود فعالیت هایی انجام دهد بی نیاز از کمک دیگران نیست.

قدرت اجتماعی هنگامی پیدا می شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد، و اراده و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد.



کسانی که در زندگی توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران داند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردار هستند.

• درباره راههای تأثیرگذاری بر اراده دیگران گفت و گو کنید.



## • مقبولیت و اقتدار

معنای قدرت فردی و قدرت اجتماعی را دانستید. به نظر شما قدرت اجتماعی چه تفاوتی با قدرت فردی دارد؟ مقبولیت و اقتدار چه معنایی دارند و چه نسبتی بین این دو وجود دارد؟

هنگامی که می خواهیم سنگی را برداریم با اراده از قوای عضلانی خود استفاده می کنیم و اگر نیروی سنگ از نیروی عضلات ما بیشتر باشد از اهرمهای خارجی نیز بهره می گیریم.

برای تأثیرگذار شدن بر اراده دیگران چه کار می کنیم؟ آیا می توانیم صرفاً با استفاده از نیروی عضلات خود و بدون دخالت هیچ عامل دیگری، اراده دیگری را تابع اراده خود کنیم؟ ما فقط می توانیم با قدرت بدنی خود، در جسم دیگران اثر بگذاریم. هنگامی که فردی را با قدرت بدنی خود جا به جا می کنیم، آن فرد فعالیتی انجام نداده است اما اگر بخواهیم او فعالیت ارادی خود را مطابق اراده و میل ما انجام دهد و قدرت اجتماعی به

وجود آید، تنها راه، جلب تبعیت اوست. یعنی او باید بپذیرد مطابق آنچه از او می خواهیم عمل کند؛ و به همین دلیل است که قدرت اجتماعی، بدون نوعی از پذیرش و توافق پدید نمی آید. تبعیت اراده یک انسان از انسان دیگر، به دو صورت می تواند باشد:

۱. **تبعیت با کراهت**؛ کراهت وقتی است که تبعیت ناشی از تهدید و ترس باشد. کسی که با کراهت به خواسته دیگری عمل می کند، گر چه کاری را که دیگری از او می خواهد با اراده خود انجام می دهد، اما او این کار را به دلیل قدرتی که طرف مقابل برای تنبیه دارد، یعنی برای گریز از تنبیه انجام می دهد.

۲. **تبعیت با رضایت**؛ رضایت وقتی است که شخصی با میل درونی مطابق اراده دیگری عمل کند. قدرتی که بدون استفاده از زور و با رضایت طرف مقابل به دست می آید دارای مقبولیت است، و قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، اقتدار نامیده می شود.

• قدرتی که با اکراه طرف مقابل انجام می شود تا چه زمانی می تواند ادامه داشته باشد؟



## ○ مقبولیت و مشروعیت

به دو واژه مشروعیت و مقبولیت بیندیشید به نظر شما تفاوت این دو در چیست؟  
مشروعیت و مقبولیت بر چه مبنایی شکل می گیرند؟

مقبولیت و مشروعیت در معنای دقیق خود با یکدیگر تفاوت دارند. مقبولیت در جایی است که قدرت بدون اکراه و بلکه با رضایت فردی باشد که قدرت را می پذیرد. مشروعیت قدرت به این معناست که قدرت براساس شریعت و موافق با حکم خداوند اعمال شود.

مدار مقبولیت، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می شود. اگر کسی که قدرت بر او اعمال می شود، از آنچه انجام می دهد راضی باشد، این قدرت مقبول است؛ و اگر فعالیتش را با اکراه و برای فرار از پیامدهای ناگواری که از طرف صاحب قدرت پدید می آید انجام دهد قدرت مقبولیت ندارد.

مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است، اگر قدرت موافق حکم و قانون و اراده تشریحی خداوند اعمال شود، مشروع است و اگر قدرت موافق قانون خداوند نباشد، غیر مشروع است. مشروعیت و مقبولیت می توانند با یکدیگر جمع شوند و در برخی از موارد نیز جدا از یکدیگر باشند.

جایی که قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از قانون نیز با رضایت و میل





همراه باشد، اقتدار و قدرتی است که مقبولیت دارد و از مشروعیت نیز برخوردار است. هنگامی که قدرت بر خلاف حکم و قانون الهی باشد و تبعیت از قدرت هم از روی رضایت باشد، اقتداری غیرمشروع شکل می گیرد. اما وقتی که قدرت براساس حکم و قانون الهی، بر فردی اعمال شود که به اکراه آن را می پذیرد، قدرت مشروع فاقد مقبولیت است؛ مانند مجرمی که جنایتی را انجام داده و دستگیر شده است و حکم بر او اجرا می شود.

• به نظر شما آیا در جامعه ای که فرهنگ عمومی مردم، فرهنگی دینی باشد، قدرت نامشروع می تواند مقبولیت داشته باشد؟ دلیل خود را بیان کنید.





قدرت ، اقتدار ، ..... « ..... « ..... «

« ..... « ..... « ..... «

« ..... « ..... « ..... «



اساس مقبولیت قدرت، خواست و ارادهٔ کسانی است که قدرت بر آنها اعمال  
می شود.

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



## سیاست و حکومت

سیاست چیست و چه ارتباطی با قدرت دارد؟ به نظر شما سیاست با حکومت چه ارتباطی دارد؟ آیا سیاست می تواند بدون حکومت وجود داشته باشد؟

هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می آید، زیرا سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای هدفی معین است. سیاست در معنای عام خود، شامل هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است. وقتی گفته می شود نهاد آموزش و پرورش دارای سیاست است، یعنی کنش هایی که در این نهاد انجام می شود، برای رسیدن به اهداف آموزشی خاص، سازمان یافته است. هر نظام اجتماعی به تناسب هویت و فرهنگ خود، آرمانها و ارزشهای ویژه ای دارد و هیچ نظامی نمی تواند بدون سیاستی مناسب، به ارزشها و آرمانهای خود دست یابد. مجموعه سازوکارهایی که در نظام اجتماعی برای اعمال سیاست های آن وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می دهد. سازوکارهای سیاسی بدون عوامل اجرا کننده آن، تحقق پیدا نمی کنند. حکومت، مجموعه

عواملی هستند که سیاست های مربوط به کل جامعه را پیش می برند. حکومت از طریق مراحل سه گانه زیر، سیاست های نظام را اعمال می کند:

• الف: وضع قوانین • ب: اجرای قوانین • ج: نظارت بر قوانین

سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه عهده دار وظایف سه گانه حکومت هستند. با گستردگی حکومت، این سه قوه نیز از یکدیگر تفکیک پیدا می کنند.

• درباره پیامدهای جامعه ای که در آن، حکومت و سیاستی وجود نداشته باشد گفت و گو کنید.



## ارتباط نظام سیاسی با نظام های فرهنگی و اقتصادی

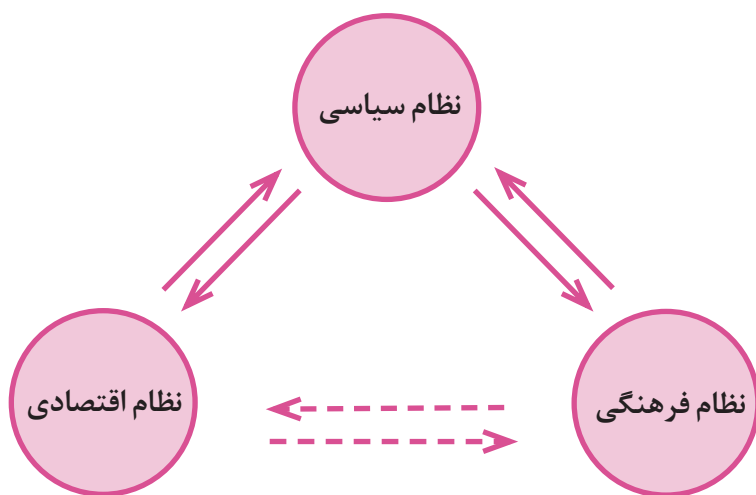
میان نظام های اجتماعی مختلف یک جامعه تعاملاتی وجود دارد. به نظر شما ارتباط و تعامل نظام سیاسی با نظام های اجتماعی دیگر چگونه است؟

در یک جهان اجتماعی، نظام سیاسی نمی تواند مستقل از نظام های اجتماعی دیگر باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می گیرد. نظام سیاسی، هم بر نظام فرهنگی و اقتصادی اثر می گذارد و هم از آنها تأثیر می پذیرد. نظام فرهنگی عقاید، ارزشها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تعیین می کند و اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزشهای



• یک خانواده بی خانمان آمریکایی

فرهنگی جامعه باشد، نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را نیز تأمین می کند و اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا تحت تأثیر و فشار سیاست های خارجی از اصول و ارزشهای فرهنگی عدول کند، نظام فرهنگی زمینه مقبولیت آن را کاهش می دهد. نظام سیاسی نیز اگر بر ارزشهای فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، بر بسط و توسعه فرهنگ می افزاید. اگر از ارزشها و آرمانهای فرهنگی دور شود زمینه تعارضات، تزلزل و بحرانهای فرهنگی و هویتی را پدید می آورد. نظام سیاسی براساس ارزشهایی که پذیرفته است با وضع قوانین و مدیریت اجرایی، به سهم خود بر نظام اقتصادی اثر می گذارد. اگر رویکرد نظام سیاسی در جهت بازار آزاد و حاکمیت سرمایه باشد، بر شکاف طبقاتی جامعه می افزاید و فرصت های مناسب تحرک اجتماعی را از قشرهای مختلف سلب می کند. نظام سیاسی می تواند با وضع قوانین و مقررات مالی از گردش ثروت بین قشرهای محدودی از جامعه پیشگیری کند یا رفاه عمومی را در سقفی معین برای همگان تأمین نماید. نظام اقتصادی نیز می تواند با حمایت های ویژه از حکومت و دولت، قدرت آن را تحکیم بخشد یا آنکه با بحرانهای واقعی یا کاذب زمینه فروپاشی نظام سیاسی را فراهم کند.



## ● آرمانها و ارزشهای سیاسی

نظامهای سیاسی چه اهداف و ارزشهایی را دنبال می کنند، و چگونه این ارزشها را بر می گزینند؟

هر نظام سیاسی اراده های اجتماعی را به سوی ارزشها و اهداف متناسب خود راهبری می کند. دانشمندان علوم سیاسی از دیر باز درباره ارزشها و آرمانهایی که نظامهای سیاسی مختلف دارند، به بحث پرداخته اند.

عدالت، امنیت، استقلال، آزادی، رفاه، عزت، سعادت، فضیلت، حقیقت، سلطه بر طبیعت و دیگران، تشکیل امپراطوری و حکومت جهانی از جمله اهداف و ارزشهایی است که نظام های مختلف با آنها سنجیده و یا ارزیابی می شوند. داوری درباره هر یک از ارزشهای فوق، مبتنی بر عقاید و جهان بینی افرادی است که به داوری می پردازند.

کسانی که جهان بینی دنیوی دارند و معرفت علمی را به دانش حسی و تجربی، محدود می کنند، معتقدند که اولاً هر یک از ارزشهای فوق تنها در چارچوب زندگی دنیوی و این جهانی می توانند قابل دسترس باشند و ثانیاً به دلیل این که علم تجربی نمی تواند داوری ارزشی داشته باشد ما روش علمی برای گزینش و ارزیابی هیچ یک از این ارزشها نداریم.

از نظر این گروه، انسان در گزینش ارزشهای سیاسی هیچ معیار علمی ندارد و سیاستمداران تنها براساس گرایش های شخصی و اجتماعی خود، برخی از این ارزشها را انتخاب می کنند؛ و علم تنها ابزاری است که راه دستیابی به این ارزشها را- در صورتی که تفسیری دنیوی و این جهانی داشته باشند- پیدا می کند.

کسانی که جغرافیای هستی را به جهان طبیعت محدود نمی دانند و شناخت علمی را نیز به دانش تجربی و حسی منحصر نمی کنند: اولاً ضمن توجه به آثار دنیوی و این جهانی هر یک از ارزشهای مزبور، ابعاد متعالی و فوق طبیعی آنها را نیز در نظر می گیرند و ثانیاً با استفاده از شناخت عقلانی و وحیانی، به تفسیر علمی نسبت به هر یک از ارزشهای یاد شده می پردازند.

● براساس چه نوع جهان بینی و معرفت شناسی می توان درباره ارزشهای سیاسی داوری علمی کرد؟







سیاست ، نظام سیاسی ، حکومت ، .....

.....

.....



سیاست، به کارگیری قدرت سازمان یافته برای هدفی معین است.

.....

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



## گونه شناسی نظامهای سیاسی

با چه ملاک هایی می توان نظامهای سیاسی را دسته بندی کرد و چه انواعی برای نظام های سیاسی وجود دارد؟

- نظامهای سیاسی براساس ملاک های گوناگون به انواع مختلفی دسته بندی می شوند. از این ملاک ها و دسته بندی ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:
- ۱. براساس کمیّت افراد تأثیرگذار و تصمیم گیر؛ با این ملاک نظامهای سیاسی و حکومت ها به سه دسته تقسیم می شوند:
    - الف: نظامها و حکومت هایی که یک فرد در آنها حاکمیت دارد.
    - ب: نظامهایی که یک اقلیتی از مردم در آن تصمیم می گیرند.
    - ج: حکومت هایی که اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی آن دخیل هستند.
  - ۲. براساس روش تصمیم گیری و تأثیر گذاری؛ کسانی که در تصمیم گیری های سیاسی دخیل هستند، یا براساس خواسته ها و اغراض شخصی خود، تصمیم می گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز و مباح می دانند؛ یا آن که بر مدار حقیقت و فضیلت و با موازین عقلی، رأی خود را اظهار می کنند.



● فارابی

۳. بر اساس دینی و یا دنیوی بودن؛ نظام سیاسی دینی بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می یابد. نظام سیاسی سکولار و دنیوی، فقط ارزشها و آرمان های دنیوی و این جهانی را مد نظر قرار می دهد.

ارسطو از دو ملاک اول و دوم برای دسته بندی نظامهای سیاسی استفاده می کند و از شش نوع حکومت نام می برد.<sup>۱</sup> در سه نوع آنها، حاکمیت یک فرد، یک اقلیت یا اکثریت بر مدار خواست های نفسانی آنها شکل می گیرد و در سه نوع دوم حاکمیت یک فرد، یک اقلیت یا اکثریت بر مدار حقیقت و عقلانیت استوار است.

ارسطو، حاکمیت اکثریت را در صورتی که بر مدار خواسته های آنها باشد، دموکراسی می نامد. زیرا دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است و در این نوع حاکمیت، مردم براساس آراء خود حکومت می کنند.

ارسطو حکومتی را که در آن اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند، جمهوری می خواند. بدین ترتیب او بین حکومت جمهوری و دموکراسی تفاوت می گذارد. فارابی مدینه فاضله را جامعه ای الهی می داند که براساس سنت و قانون الهی شکل می گیرد. از نظر او حقیقت با اراده الهی تعیین می شود و با کمک عقل و وحی شناخته می شود

۱- گونه شناسی ارسطو

تعداد حاکمان	شیوه حکومت	بر اساس فضیلت	براساس خواست و میل افراد
فرد	مؤنارشی	مؤنارشی	تیرانی (استبدادی)
اقلیت	اریستوکراسی	اریستوکراسی	الیگارشی
اکثریت	پولیتی (جمهوری)	پولیتی (جمهوری)	دموکراسی

در اندیشه فارابی جوامعی که ارزشها و آرمانهای آنها، عقلانی و الهی نباشد، جوامع جاهلی هستند، او جوامع جاهلی را براساس نوع آرمان ها و ارزشهایی که دارند به اقسامی تقسیم می کنند.

• درباره تفاوت جمهوری و دموکراسی از دیدگاه ارسطو گفت و گو کنید.



## • لیبرال دموکراسی

لیبرال دموکراسی چه نوع نظام سیاسی است و این نظام با کدام فرهنگ سازگار است؟

لیبرالیسم به معنای اِباحیت و مباح دانستن همه امور برای انسانهاست. لیبرالیسم آزادی و خواست انسانها را به عنوان مرجع و ملاک نهایی برای ارزشها و آرمانهای اجتماعی می داند. دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است. لیبرال دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که ادعا می کند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می یابد. این نظام سیاسی، حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد به رسمیت نمی شناسد و حکومتی دنیوی و این جهانی است.

این نظام سیاسی با فرهنگ جهان غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد و شناخت علمی ارزشهای اجتماعی را انکار می کند، سازگار است.

لیبرال دموکراسی وقتی با مردمی مواجه می شود که ارزشهای دیگر، نظیر عدالت را مهمتر از ارزش آزادی می دانند یا حقیقت را به اراده الهی باز می گردانند و از مسئولیت انسان در برابر این حقیقت سخن می گویند دچار تناقضی می شود که از حل نظری آن عاجز است. برخی از نظریه پردازان لیبرال دموکرات، فردی را که از حدود این نظام سیاسی خارج شود، شایسته رأی دادن نمی دانند. دانشمندان علوم سیاسی از تناقضی که از نارضایتی مردم نسبت به نظام سیاسی لیبرال دموکراسی به وجود می آید، با عنوان پارادوکس دموکراسی یاد می کنند.

• آیا در اندیشه لیبرال دموکراسی می توان از مشروعیت سخن گفت؟ چرا؟



## • جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی چه نوع نظام سیاسی است و ویژگی های مربوط به آن کدام است.

جمهوری اسلامی نوعی نظام سیاسی است که در جهان اسلام مورد توجه امت اسلامی قرار گرفته است. عنوان "جمهوری" در این ترکیب به معنای به رسمیت شناختن حضور



مؤثر مردم در نظام سیاسی است و کلمه "اسلامی" نشان دهنده این است که فعالیت مردم بر مبنای عقاید و ارزشهای اجتماعی اسلام سازمان پیدا می کند. در عقاید اسلامی احکام و مقررات با خواست مردم، انبیا و اولیای الهی تعیین نمی شوند، بلکه با اراده و مشیت خداوند شکل می گیرند. در این دیدگاه عقل و وحی دو وسیله شناخت ارزشهای الهی و احکام و مقررات اجتماعی هستند و انسانها مسئولیت شناخت و اجرای آنها را به عهده دارند.

عدالت، آزادی، استقلال، نفی وابستگی، نفی تسلط بیگانگان بر امت اسلامی، امنیت، تأمین اجتماعی و تکافل عمومی، تلاش برای عمران و آبادانی، عقلانیت، مشورت و مشارکت در امور عمومی، توسعه معرفت و آگاهی نسبت به اسرار و حقایق آفرینش از جمله ارزشهای اجتماعی اسلامی است.

بر اساس هستی شناسی توحیدی اغلب این ارزشها با آن که ناظر به مسائل اجتماعی دنیوی هستند، تفسیری دنیوی و سکولار ندارند بلکه سیرتی الهی و دینی دارند؛ و به همین دلیل عمل به آنها رفتاری صرفاً دنیوی یا اجتماعی نیست بلکه یک وظیفه الهی است؛ و مانند عبادات فردی سبب تقرب انسان به خداوند می شود.

در اندیشه دینی اسلام، هر مسلمانی که شب را به صبح برساند و به فکر امت اسلامی نباشد مسلمان نیست و مسلمانان موظفند همه مستضعفان و مظلومان را یاری کنند. در آموزه های اسلامی هنگامی که عبادات بعد اجتماعی پیدا می کنند، ارزش بیشتری می یابند. در برخی از روایات، مسئولیت امت اسلامی در برابر امامت و رهبری امت اسلامی به عنوان مهمترین مسئولیت یاد شده است.

امت اسلامی باید از پذیرش طاغوت و قدرتهای غیرالهی خوداری کند و در شکل گیری امامت و ولایت الهی براساس موازین و ارزشهای اسلامی هوشمند و فعال باشد.



گونه شناسی نظام های سیاسی، جمهوری اسلامی ، .....

.....

.....



عدالت، آزادی، استقلال، امنیت، تأمین اجتماعی و تکافل عمومی از جمله ارزشهای اجتماعی اسلام است..

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....





- ادوارد، سعید (۱۳۸۹) **پر خورد تمدنهای غرب و اسلام**. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ادوارد، سعید (۱۳۸۶) **شرق شناسی**. ترجمه لطف علی خنجی. تهران: نشر امیر کبیر.
- ارسطو (۱۳۸۶) **سیاست**. ترجمه حمید عنایت. تهران: نشر علمی و فرهنگی
- آربلاستر، آنتونی (۱۳۶۷) **ظهور و افول لیبرالیسم**. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز
- آل احمد، جلال (۱۳۷۵) **غرب زدگی**. تهران: نشر رواق.
- پارسانیا، حمید (۱۳۷۶) **حدیث پیمانانه**. قم: نشر معارف.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) **هویت اجتماعی**. ترجمه تورج یارمحمدی. تهران: شیرازه.
- جونز، ویلیام توماس (۱۳۸۸) **خداوندگان اندیشه سیاسی**. ترجمه حمید عنایت. تهران: نشر امیر کبیر.
- خلاصه مقالات نخستین همایش هویت ایرانی**. تهران: دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۸۳).
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۲) **فارابی فیلسوف فرهنگ**. تهران: نشر ساقی.
- راسل، برتراند، **قدرت**. ترجمه نجف دریابندری. تهران: نشر خوارزمی.
- شریعتی، علی (۱۳۸۷) **بازگشت به خویشتن**. تهران: نشر قومس. بنیاد فرهنگی دکتر شریعتی
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۷) **اقتصادنا**. قم: نشر بوستان کتاب.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴) **آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی**. تهران: نشر نی.
- فارابی، ابونصر (۱۳۵۸) **سیاست مدنیه**. ترجمه جعفر سجادی. تهران: انجمن فلسفه ایران.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۹) **آراء اهل مدینه فاضله**. ترجمه جعفر سجادی. تهران: نشر طهورا
- فانون، فرانسیس (۱۳۵۶) **دوزخیان روی زمین**. ترجمه علی شریعتی. نشر تلاش.
- کچویان، حسین (۱۳۸۴) **تطورات گفتمان های هویتی ایران: ایرانی در کساکش با تعدد و مابعد تعدد**. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) **جامعه شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- ممی، آلبر (۱۳۵۶) **چهره استعمارگر**. چهره استعمارزده. ترجمه همانا ناطق. تهران: خوارزمی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷) **خدمات متقابل اسلام و ایران**. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱) **فطرت**. تهران: انجمن اسلامی دانشجویان مدرسه عالی
- وهر، ماکس (۱۳۶۸) **دانشمند و ساستمدار**. ترجمه احمد نقیب زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴) **اسلام و انسان معاصر**. قم: دفتر انتشارات اسلامی